

اعلامه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن:

## پیروزی برجنگ طلبان بر مردم ایران مبارک باد

سرانجام رژیم جنایتکار خمینی به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد منتهی گردید و بسا استقرار آتش بر سرشعله بی از وحشیانهترین، خونبارترین و ارجحای ترین جنگهای قرن به خاموشی گزاشید.

استقرار آتش بر سر قبل از هر چیز پیروزی مردم طلب میهن ما و شکست جنگ طلبان حاکم است. این پیروزی بزرگ بر همه پیمانگان جنسیتها و جنسیتها تا توانست جنگید و تنها زمانی به پذیرش آتش بر گردن نهاد که هیچ، جنگ اثر از تصرفاتش و در نتیجه مبارزه مردم است بحران اقتصادی و سیاسی او فتنه ای بین المللی، ماشین جنگی جمهوری اسلامی ایران منافع تاریخی و ملی خلق ما است.

نهضت انقلابی و دمکراتیک خلق های ساکن کشور ما از تفرقه و پراکندگی رنج می برد. در واقعیت امر می توان گفت که یکی از سرچشمه های اصلی پایداری رژیم خمینی طایفه فضاحت و رسوائی که از رهگذر شکست در اهداف جنگ طلبانافش دامنگیر آن است و طایفه بحیران فلج کنند مای که به لحاظ اقتصادی با آن دست بسته گریبان می باشد، همین پراکندگی در صفوف نیروهای انقلابی و ترقی خواه کشور ما است.

در مقیاس سراسر کشور، نهضت نه تنها هنوز موفق نشده است که اتحاد فراگیری از همه نیروهای مترقی را سرسازمان بخشد، بلکه منافقان چشم انداز روشنی نیز از اتحاد عمل و بسط همکاریها در برابرستگیری های رژیم آخوند ها پدیدار نشده است و باز منافقان این در حال است که ستونهای رژیم آخوند ها را از اساس برافشانی پیدا کرده و تسلط بر سر کشور را برعهده می گیرند.

انئون مردم بلا تشیده میهن ما در حالی که پیروز بزرگ خود را گرامی می دارند، با قلبی دردمند و انداز به زندگی یک میلیون انسان ایرانی و عراقی مراند پیشند که در کشور جنگ طلبی د رژیم صدام و خمینی خائن سر میزند. اینک تمام ایران یک سؤال بزرگ است: "چرا؟" چرا در این هفت سال جنگیدید؟ "چرا؟" چرا در این هفت سال بیخه در رنده ۳

**کورا و علی:**  
شامل دوستی، برادری و رزم مشترک  
۱۹ صفحه

**در این شماره**

انسانها را باور کن در سرگردانست ناظم حکمت ص ۱۴  
شهریار در گذشت ص ۲۲  
سارده در اشکال، سوز، گزارشی از کردستان ص ۷  
چاقو دست خود را نمی زند ص ۱۰  
کست ابن یکت لاقبای کفر کوه در کورا میداشت حافظ ص ۱۶  
زادگان کورا: اصول بافرقه کورائی ص ۲  
الهییک و ورزش در میهن ما ص آخر  
غارخی تودوک: نی لیک ترکمنی ص ۲۲  
فولکلور: با مردم و برخاسته از مردم ص ۸  
سنگار و ماهگیری ترکمن ها در قرون ۱۸ و ۱۹ ص ۱۲  
جشن گندم: جشن هیبستگی زحمتکشان ترکمنستان ص آخر  
حلقه های در کردستان عراق: جاییت علیه بشریت ص ۳

**در سوگ درگذشت کریم قربان نیسف**  
تخصیت برجسته ای، احضار عروسای ترکمنستان شوروی  
۶ صفحه

**به نجات جان زندانیان سیاسی بوجینیم**  
۵ صفحه

### سرنگون باد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

میزان منافع تاریخی و ملی خلق عاست . بیه از صفحه اول

چون چکان استبداد آخوندی یا قوت هرد مغزوتتری بر سر سرو پیکر همه آن نیرو هسائی فرود می آید که قطع نظر از تفاوت ها و تمایزات سلکی و سیاسی در راه اهدا شریفانه مرد پاران و قبل از همه تضمین صلح و تأمین د مکرسی در کشور مبارزه می کنند .

در مقیاس مناطق ملی کشور نیز منظره نه تنها خوشایند نیست بلکه از جهاتی نگرانی آوری باشد . به عنوان مثال در کردستان ، انشعاب در صفوف حزب دمکرات کردستان ایران ایجاد و خاتم پاری پیدا کرد ما است .

اکنون در میان نیروهای وابسته به حزب دمکرات کردستان ایران ، بجای اینکه همزبانی و همدلی در پیکار علیه دشمنی که هیچ رحبوشفقتی نمی شناسد ، حاکم باشد غرقه و شقاق دامن گسترده است و این تازه جسد از خصومت ناموجهی است که میان حزب دمکرات و کومله همچنان عداوم دارد .

دلایل این غرقه و پراکنده خواهی گوناگون و قسما عمیق است که مارا در این مختصر مجال پرداختن بآنجا نیست . تنها باید متذکر شویم که از یک نگاه عمومی بر سر چنین سطح و بعضی از غرقه و انشقاق بیگان در یکی از بنیان های خود از بی آمد ها و ملحقات شکست ها و ناکامی ها از یک سو و فقدان آگاهی و احساس مسئولیت گامی در قبال سرنوشت نهضت و منافع تاریخی و ملی خلقهای ایران از سوی دیگر است . این پدیده ها چنانچه پیشتر گفته شد ، مایه شاد کسائی دشمنان خلقهای ایران رعایه قوت و استمرار رژیم آخوندی و تداوم سیطره استبداد سیاه مذ هبسی بر میچین و مردم پلاکشیده ما است .

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن به مثابه جسد جدائی ناپذیر نهضت انقلابی و دمکراتیک مردم ایسران از پدیده های منفی که فوقالبدان اشاره کردیم در امان نماند . مناسفانه در خارج از کشور حتی چند راه غرقه و جدائی در پیش گرفتند و خواسته و ناخواسته به یکپارچگی نهضت ما در ترکمن صحرا که از مشخصه های نیرومندی خلق ما بوده است لطافتی وارد آوردند .

هم تجربه و هم واقعیت ها می آموزد که هر آینه میزان ، منافع تاریخی و ملی خلق ما شناخته شود ، بر پایه همین معیار و میزان می توان و باید رخنه ها جدائی و غرقه را سد و نمود . اشتباه جبران ناپذیر خواهد بود اگر به جای چنین میزانی که عمیقاً سرشت عینی دارد ، تمایلات و علایق ذهنی را راهنمای گفتار و کردار خود سازیم . بزرگ ترین زیان به خلق سرفسراز

ترکمن و نهضت انقلابی و دمکراتیک کشور وقتی است که گرایشات و علایق ذهنی خود را به پای مردم و نهضت بنحوسیم . از این بیماری و بلای شایع روشنفکرانسه ، خصلت و نهضت ما ، تنها و تنها زیان می بیند . چنین گرایشی زاینده خود بینی و پراکنده خواهی است و هم از این رو اکیدا باید از آن احتراز جست .

ما بارها گفتیم و امروز هم تکرار می کنیم که کانسون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن به همه آن کسانی تعلق دارد که با اعتقاد به منافع تاریخی خلق ترکمن ، در راه اهداف شریفانه ملی و مترقی آن پیگیری کنند . همین با هر به منافع تاریخی خلق ما است که ما مبارزان ترکمن را در پیوندی خلل ناپذیر با جنبش سراسری قسرا ر داده است . ما از این پیوند تا بآخر دفاع می کنیم زیرا تنها در شرایط چنین پیوند رزم جویانه رهائسسی بخشی است که خلق ما به آزادی و برابری دست خواهد یافت .

آزادی و برابری که راه تأمین آن نه در پرتسنگ کردن مرزها و بالا بردن دیوارها یا دیگر خلق ها و گردان های انقلابی کشور بلکه در از میان برداشتن همین مرزها و دیوارها است . مبارزه استوار در راه خواست های ملی خلق ستندیده ما و مبارزه در راه احسراز شخصیت ملی نه تنها هیچگونه تباینی با این طرز تلقی ندارد بلکه تحکیم پیوند با جنبش سراسری به صورت و شخصیت ملی ما تالاسو و اصالت می بخشد .

تجربه خلقهای که راه آزادی و برابری را پیروز شده طی کرد ما ند مسیصد صحت داوری ما است . ما تردید نداریم همه کسانی که دلشان برای خلق ما می تپد و پایشان راه خلق می پوید بر درستی داوری ما مهر تائید خواهند گذارد . ما دست آنها را بی شائبه و به گرمی می فشاریم . به روی دوستان ما ، درهای کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن همواره گشود ما است برای ما ، میزان منافع تاریخی و ملی خلق ما است .

بیرلشماک  
چالیشماق مبارزه  
پیروزی  
اوستون ینگیش قازانماق

اعلامیه دانشوران فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

### خلق کسی در کردستان عراق: جنایت علیه بشریت

ما اعلام می‌داریم که پذیردینا متدان کرد در حداک تشویقان = رسیه اساس است و دوست چه جور امتدازین باید بدون همین رسیه عید و سرسی برادران ز جواخران آزاره کرد را نه به تشوی و مردم ایران پناه آورده‌اند ، پذیرا شود و مادم نه آنان در تسیر ما زندگی می‌کنند ، شرابیه رسی اساسی را برایشان فراهم آورد .

ناسون فرهنگی و سیاسی حسن ترنمن ایجان را سنجیدان، نه مبارزه حسن کرد عیبه ستم می و نامبرایی اجتنامی در هر سه سیر ایران ، عراق و سوریه در سایه سیمیم پیوند با سیرهای انجایی و دیمراجیت در تسیر مسعود و پشتیبانی متقابل از مبارزات یه جز ، سرانجام پیروز خواهند شد . نه تبدیل کردستان ایران به پادان بزرگ و سرزمین اشکان شده ، نه چهارا و حسیاه شیمانی در کردستان عراق و نه امار مزیدت و سرزمین رخصتیه در کردستان سوریه ، حیدر - محمود تراست حسینم و اراده حسن ده یز کرد را در هم شکند .

ناسون پار دینار حصدان با بشریت تری حواه تشویق جمعی حسن کرد عراق و تار پرد و شیبای - شیمانی یوسیه ریم جنایاتر صدام را حتمیم برسد و تراشیب عیسی و معذرتی حقی خود را با سردهای فلسی و تعرض و مردم کردستان عراق ابرار می‌دارد .

ناسون فرهنگی و سیاسی حسن ترنمن

بارد - کر حسن - برهان کرد عراق ، میرد شهابیم و حسیاه ارتش صدام مرار وقت زاین پار رژیم جنایاتر صدام ، کردستان عراق را با وفاحت و بیسرمی بساویز کردنی ، عددن بیماریان گسترده شیمانی مراد داد .

حسن کرد عراق در دفاع از مریدیت خود مریتیان بیسار داده ، انسون در آتش هستی سیر خروارنسیا سلاح شیمانی سلولیه می‌سوزد . مادران بریرشدن دودان شمر خرابه مید را ساره بر شند ، سوریمان ، بیسار شای سخته دودان ، در فضائی ایاتشسه از آتش و کار بدقون می‌سوزد . و مردان بریان پردر تار مریدان رسیه‌های بود می‌سوزد و خاشاک می‌سوزد .

ریم قاضیت صدام می‌خواهد خلق کرد عراق را نابود کند و آنچه امروز در کردستان عراق می‌گذرد ، بسکت " حسن نس " و حسیاه و صد بشری است .

در برهان - ایجات تازه ناسیهای - داد ، صدها رستیای کردستان دیگر ناعلا نابود گردیده و در عیسا عراق ش از مردم پلا ندیده کردستان عراق آزاره شده‌اند سزاران کرد عراق به ترتیه پناهنده شده و پنداد بیسرمی نیز به سیر ما رید آورده‌اند .

ناسون فرهنگی و سیاسی حسن ترنمن حسن اعزام فراتر از جبار حسن خود نسبت به جنایاتر صدام بشری رژیم صدام ، بار - یتر میسمن و پشتیبان طامع خرداز مبارزات حسن عیبهان حسن کرد را امروز شاید سزار می‌دند

شهریور ۱۳۶۷

### یروزی بر جنگ طلبان ... بیه از صفحه اول

به همه تلاشهای صلح طلبانه مجامع بین‌المللی در هن کسی کسرتید ؟ چرا باید سال تا سیرد رید پیشر قطعه . ۵۹۸ ، د هها هزار نفر دیگر را به کشتن داد بسعد ؟ و چرا ۲۰۰۰ ؟

خمینی برای آنچه دولاتی نه انسون ذه - ن پیکیرین مرید انشرا نیز انباشته است هیچ پاسخی ندارد . هم از این روایت نه آنتر بررا " جسم زهر " مر نامسد .

ریم خمینی به آسانی به استقرار صلح پایسد از تعیین نخواهد کرد . مردم میهن ما برای آنکه غریبت جنگ را برای همیشه از خانه و کاشانه خود برانند ، هم - چنان به پیکار برامان برای استقرار صلح پایدار ادامه میدهند و اجازه نخواهند داد که د و رژیم تیهکبار

خمینی و صدام با تار شکنی در تلاشهای سازمان ملل متحد و ما جراحیوشی های تازه ، پارذ یگر آت: جنگ جنایتکارانه را شدله سازند .

انسون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن ، یروزی بزرگ مردم ایران در نخستین مرحله مبارزه در راه استقرار صلح پایدار در میان دو کشور همسایه را به خلق مبارز ترکمن ، همه مردم ایران صمیمانه شاد باش می‌گوید و همه نیروهای ملی ، مترقی ، صلح دوست و انقلابی کشور را به مبارزه متحد برای استقرار صلح پایدار و نامین آزادی فرا می‌خواند . باشد که اهریمن جنگ دیگر بر زندگی مردم کشور ما سایه نیافتسد .

نابود یار - جنگ و خفقان زنده بساد صلح و آزادی سرنگون باد رژیم جنگ طلب و آزادی کثر جمهوری اسلامی کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

تیرماه ۱۳۶۷

### راه کارگر؛ اصول یا فرقه گرائی؟

عمل شما همچنان بیانگر این است که هنوز قادر به درک کردن از منافع محدود گروهی نیستید. شما خوب میدانید که رهبران تان "در دستر خود استوار" ایستاده اند و آنها که نشریه ترکمنستان را منتشر میکنند، نه تنها رهبران کانون نبوده اند، بلکه اکثریت آنها هم مرکز در صفوف کانون مبارزه هم نگرفته اند و پیروزان این دنیویند با جریانات دیگری قرارداد اشغالند. با این وصف شما چشم به روی حقیقت می بندید و خود را به گردانندگان نشریه ترکمنستان لقب و عنوان می دهید و آنها را رهبران تان فرهنگ - سیاسی خلق ترکمن ایران می نامید.

گشاده دستی شما در اهدا القاب و عناوین و پشتیبانی عملی شما از جریانی که خود آن را "آشکارا ناسیونالیستی" ارزیابی می کنید، جز تناقض آشکار میسر حرف و عمل چیزی دیگری نیست و این تناقض را تنها می توان با یک انگیزه توضیح داد:

فرقه گرائی و ارجحیت قائل شدن برای منافع گروهی نسبت به منافع جنبش!

توجه بدی نیست که مبارزان ترنمن صحرا از حضور مثبت سازنده و موثر همه سازمانهای انقلابی سراسری در منطقه استقبال می کنند و نسرود می دهند به سازمانهای مبارز با یکدیگر برای تامین و گسترش حضور خود در همه جای کشور از جمله ترنمن صحرا بگویند. اما سوال مهم این است: تامین حضور به چه قیمتی؟ این سوالی است که سازمان کارگران انقلابی ایران باید بدان پاسخ گویند. هزاران صفحه اند رفاقت اصول و ضرورت پایبندی بدان نوشتن بی فایده خواهد بود. هرگاه عمل ما جهت گیری دیگری داشته باشد، چرا که "درد گفته چون نیستم کسودار نیست".



مسئولان کانون پیوند خلقهای سراسر کشور

همزمان و پسر از انتشار نشریه "ترکمنستان ایران"، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به حمایت گسترده از گردانندگان این نشریه روی آورد و با اعدامی از قبیل صدور اعلامیه مشترک کوسید تا این جریان را تحت عنوان "کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن" معرفی و تثبیت نماید.

ما از همان آغاز پیدایش نشریه ترکمنستان ایران، مسقیم و غیرمسقیم تلاش کردیم تا به دوستانمان در "راه کارگر" توضیح دهیم که با پشتیبانی از گرایش ناسیونالیستی و تشویق شقاق و نفرت در جنبش ملی و دمکراتیک خلق ترنمن به چهارگوشه وادالت جنبش ملی خلق ترکمن روی ندارد. اما متأسفانه دوستان راه کارگر به تذکرات ما بی توجهی کردند و یک بار دیگر تصمیم گرفتند تا "آزموده" را بیازمایند. اکنون نتیجه این آزمون تازه و البته ناگوار در نشریه راه کارگر شماره ۵۳ جمع بندی شده است:

راه کارگر پسر از تاکید بر نهاد رستی نظرات گردانندگان نشریه ترکمنستان پیرامون رابطه وجوه ملی و طبقاتی مبارزه و چگونگی پیوند جنبش ملی خلقهای تحت دستم پسر جنبش سراسری، دیدگاههای نشریه ترکمنستان را ناسیونالیستی ارزیابی کرده و هشدار می دهد که "این گرایش آشکارا ناسیونالیستی، جز دوری از جنبش طبقه کارگر و جز غلبت بر دامن بورژوازی نمی تواند نتایجی به بار آورد" (راه کارگر ۵۳ صفحه ۱۰)

ما مایلیم این هشدار را نه در رابطه با نشریه ترکمنستان بلکه در رابطه با راه کارگر تکرار کنیم، دوستان گرامی! گردانندگان نشریه ترکمنستان در دست به ایمن دلیل که کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن حاضر

به تعیین بدین گرایش انحرافی نبوده، به تقابل با آن دست زدند. تقویت این گرایش با غرضی که باشد، برای سازمان کارگران انقلابی ایران جز تشویق آشکار گرایش ننگ نظرات ناسیونالیستی نمی تواند نتیجه ای به بار آورد. اگر تا دیروز این امکان وجود داشت که برخورد شتابزده شما رایج حساب کم اطلاعی از مسائل کانون بگذاریم، امروز دیگر دایره پشتیبانی شما از "گرایش آشکارا ناسیونالیستی" در مقابل مواضع اصولی کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن تنها با منطق فرقه گرائی قابل توجیه و توضیح است. شما تاکنون مطالب بسیار زیادی در مذمت فرقه گرائی - چه در صفوف سازمان خودتان و چه در جنبش طورکی، منتشر کرده اید، اما

# به نجات جان زندانیان سیاسی برخیزیم

بیل از قطع ملاقات‌ها به دیدار اسرا رفتند آثار برجی را تاسی از شکنجه‌های حیوانی را در چهره آنان خوب مشاهده کردند. شواهد، اعمال وحشیانه‌ترین فشارها و رفتارهای ضد انسانی در خیابان خمینی بر مرزبانان اسیر میهنان را گواهی می‌دهد.

همزمان با مود تازه سرورده شیری از زندانیان کت به اهدای غذا کردند. و هدایایک جان بسیاری از اعضا سرگران که به سلولهای انفرادی اسفالی یافتند، در معرض خطر جدی است.

مردم مبارز ترکمن صحرا، نگذاریم رژیم سهل و ناری در ریه‌ها و شکر نقشه سیم خود موفق گردد. باید بیگانه استفاده از همه امکانات برای نجات جان زندانیان سیاسی نوسید. فرزند از راستین خلفای میهنان باید در شاد دست‌مضاحنه خمینی در جنگ سیم باشند. علیه ترور زندانیان سیاسی به پا خیزیم و خصم را از جان پادشاهترین فرزند ان میهن در ساریم.

گسترده‌تراد مبارزات مردم ایران و جهان برای آزادی زندانیان سیاسی!



رژیم ولایت فقیه تبعیضات از مردم مستعبدیده ایران انتقام می‌گیرد و فرزند ان در بند خلق رابه جوجه‌های اعدام می‌سپارد. خمینی جلاد از سرشتم تاسی از دهمان کی فرزند ه، سفالنه به قتل یا تریستن فرزند ان خلق در زندانهای قرون وسطی خود دست بازده است. اخبار رسیده حالی از آن است که حکم اعدام ۵۵ تن دیگر از فرزند ان دلاور مردم ایران کسه در زندانهای جمهوری اسلامی اسیرید، در ریداد کسا ههای رژیم تاقید شده است.

بر از آنکه مقاومت رژیم جنگ صلب خمینی در رهسرم تشنه شد و آتش بر چون خاری در چشم خمینی فرو رفت حنای خانم به منابه سربین دستارینتر از یک ملیتون انسان و ویرانی کشور خود را با آنتیوه سوالات مردم مواجه دیدند. آنها خوب می‌دانند که مردم ایران خالصان جنگ طلب را در شمار جنایتکاران جنگی محسوب دانسته، بر از سب پیروزی در تحمیل آتش بر، به بیچار طیبه رژیم ادامه داده، مبارزه مردم علیه رژیم ضد مرز می گسترش خواهد یافت. بدین جهت رژیم که نگران آینده خود است، به منظور سیمانیدن مردم و انتقام از آنهاست، جنایت علیه زندانیان سیاسی را افسوسناکتر داد. رژیم اینک با درنده وحشی فیلمهایی از اجساد تیرباران شده مبارزان ضد رژیم را در ریلوینون به نمایش می‌گذارد تا از مردم زهرچشم بگیرد. اینها همگی نشان دهنده وحشت رژیم خمینی از آینده خود است.

رژیم علاوه بر کشتار انقلابیون اسیر، فشار بر زندانیان سیاسی را نیز به عزیز و حشیمانهای اهرا بیشتر داده است. ملاقات زندانیان سیاسی قطع شده است و انتقال بخشی از زندانیان به سلولهای انفرادی نترانی همردم و نیروهای انقلابی را برانگیخته است. خانواده‌هایی کسه

فولکلور... پختن از صفحه ۸

دختران جوان آرزوی خود را برای داشتن یک زندگى سعادت مند ابراز می‌کنند.

سانا و جلار، یوما گلار، یانگلتما جلار، بخصوص در میان کودکان بسیار رایج است. سانا و جلار اغلب با بازیهای کودکان همراه است. پسند بین معنی که در بازیهای کودکان، پنی از آنان با بیان لغاتی آهنگین جذابیت ویرمان را به بازی می‌بخشد. (بازیهای آوالاماسد و کلمه و آی تهرک سکون تهرک در زمان کودکان ترنمن به شایسته باز اهل مثل توتوله در میان کودکان فارس زبان از جمله

این بازی است.)

در حال حاضر آثار فلتوریک خلق ترکمن از رشد فایده‌مندی برخوردار شده است. «بهر العنل عسا، چیتانها، زانهای عروس و کوندانه و کلتایات و باعایه» جدیدی خلق گردیده‌اند. این آثار فلتوریک همسواره رایجه خویر را با اوضاع عینی و چگونگی زیست مردم حفظ کرده و بیابانرسمی و نغمه زیست و آمل و آرزوهای مردم ترنمن در مقابل مختلف بوده است. آثار فلتوریک خلق ترکمن همواره همراه نزدیک و جدا ناپدید ترنمن هسا در شرایط سخت و خوب زندگی آنان بوده است.

### دز سوگ درگذشت کریم قربان نیسف



اول مهتا میر ۱۹۸۸ هـ شاعر با استعداد نویسنده خلقی ترکمنستان شوروی و دارنده جایزه دولتی بنام محتومقلی عضو هیئت رییس شورای نویسندگان ترکمنستان نماینده شورای عالی ترکمنستان شوروی و نخستین برجسته اجتماعی کریم قربان نیسف حیات را بدرود گفت.

درگذشت کریم قربان نیسف مطامع ادیبی و اجتماعی ترکمنستان شوروی را در مقام تنه شکنی سرود.

کریم قربان نیسف در ۱۸ اکتبر ۱۹۲۹ در روستای کولک تبه دریا طنواده زحمتگر نقی سر دهقانی بدنیا آمد. و دوران کودکی را با کار در مزرعه سپری کرد. دوران نوجوانی وی با دوران سخت جنگ کبیر میهنی همزمان گردید. کریم قربان نیسف در دوران کودکی پدر خود را از دست داد و به همراه خانواده خویش به چین رفته و از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ به عنوان سردبیر روزنامه های "نارنجی" و "تجن استروی" بکار مشغول گردید. در سال ۱۹۵۲ کریم قربان نیسف ضمن خدمت در ارتش به کار در افتدات دولتی ترکمنستان مشغول گردید. در سال های اخیر وی به عنوان مشاور ادبی منشی و معاون رییس شورای نویسندگان ترکمنستان سردبیر مجله نکاهی "توتماق" و مجله ادبی - هنسری "ادبیات شوروی" کار کرد. در سال ۱۹۶۰ وی بطور مناسبتی از دانشکده دولتی عشق آباد تحصیلاتش را تکمیل کرد.

باغی "بهترین محبوبیت را برای وی بیار آورد، تعالیت خلق و اجتماعی وی بارها از جانب مشو دولتی مورد تاکید بشوین قرار گرفته است. در ۱۹۶۷ به وی عنوان نویسنده خد ترکمنستان اء گردید و در سال ۱۹۷۰ جایزه دولتی محتومقلی نیمه او شد. علاوه بر آن او افتخار دریافت مدال ها دوستی خلق "برخ سرخ" دبلیام افتخار شوروی عالی ترکمنستان شوروی را دارا می باشد. او را هنمای خوبی برای جوانان بشمار می آید مقالات ادبی و سیاسی و اجتماعی وی تا تیسرا نزا یته ای را بر رخ ادبیات ترکمن برجای نهاد وی. ر کارهای اجتماعی بسیار فعال بود. و از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۸ نماینده خلق در شورای عالی ترکمنستان شوروی بود. بارها به عضو عضو شورای نویسندگان اتحاد شوروی برگزیده شد و از کنگره چهارم نویسندگان جمهوری در ریسه ارگان رهبری شورای نویسندگان قرار گرفت. از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۶ رهبری کمیته ادبی جایزه نا محتومقلی را به عهده داشت.

اشعار وی اولین بار در طی سال های جنگ در مطبوعات محلی به چاپ رسیدند. این اشعار توجه معافل نوپرداز را به خود جلب نمود. در سال ۱۹۵۱ اولین کتاب وی به نام "سرچشمه قدرت من" به نشر درآمد. تا حال حاضر بیش از ۲۰ جلد کتب اشعار وی در نشرهای مختلف اتحاد شوروی چون عشق آباد، مسکوه، کیف، آلماتا و دیگر شهرها به چاپ رسیدند. اشعار وی به بسیاری از زبانهای مختلف اتحاد شوروی و دنیا ترجمه گردیدند. خود وی نیز آثار بسیاری از شعرها و نویسندگان نامسی را به زبان ترکمن ترجمه نمود. بهترین ترجمه های وی از کتبی به نام "دسه گل دوستی" جمع آوری گردیده اند.

نام کریم قربان نیسف در میان هنرمندان و ادیبان ترکمنستان و بسیاری دیگر از مردم ترکمن ایران نامی آشناست و اشعار وی همواره دوستداران فراوانی داشته و دارد. درگذشت این شاعر نامی و خلقی بدون شك تپعه بزرگی برای ادب به د ر صفحه ۸

اشعاری چون "بدربرگ تا یماز" و "عایال



### فولکلور: با مردم و برخاسته از مردم

فلکلور همراه همیشگی خلق ترکمن به شمار می آید. فلکلور، تاریخ و همیشی این خلق را انعکاس داده و پسر عظمت انسان و از خود گذشتگی و مردانگی و دلاوری و دینداری، این به عشق، تاز و ستی و نیکی، صحنه گذارده و تزیینی و حیانت و مفت خوری را مورد سرزنش قرار داده است. فلکلور یکی از سرچشمه های رشد ادبیات و هنر ترکمن ها به شمار می آید. قدیمی ترین آثار فولکلوریک خلق ترکمن در آثار مولفین متعددی چون محمود کاشغری که اشعار، ترانه ها و ضرب المثل ها و جویسنامه های این خلق در کتاب وی موسوم به "دیوان لغت ترک" جمع گردید. بازتاب یافته است.

آثار فولکلوریک خلق ترکمن عمدتاً توسط باخشی هایی که خود به خلق داستانها می پرداختند، مورد اشاعه و سرودن ارامی گردید. فسر خلق ترکمن را می توان به ماتب عزلی - حماسی و عزلی تغلیک نمود.

(۱) مکتب عزلی - حماسی

این مکتب شامل حماسه، داستان، حکایت، افسانه و روایت می باشد.

الف - حماسه، داستان

از کهن ترین فلکلورهای خلق ترکمن است. حماسه ها و داستانها عمدتاً توسط باخشی ها و با همراهی ابزار موسیقی آنان (دوتار و قلیچاق) اجرا می گردیدند. در بازگویی داستانها شعر و نثر متناوباً جای خود را عوض می کنند. در نثر در باره حوادث و رفتار قهرمانان سخن رانده می شود و در شعر احساسات آنان بازگو می گردد. داستانهای خلق ترکمن به چند بخش تقسیم می شود: داستانهای حماسی قهرمانانه، داستانهای حماسی عشقی - قهرمانانه و داستانهای حماسی - عشقی تخیلی. در میان داستانهای خلق ترکمن، سلسله داستانهای حماسی طایفه اووز - ترکمن بنام "اووزنامه" متعلق به قرن ۱۲-۱۱ میلادی از برجستگی برخوردار است. این حماسه از اسطوره ها، افسانه ها و روایاتی در باره اولین پهلوانان اووز چون اووزخان و پسران طایفه او تشکیل شده است. در این اثر حماسی، آثار حماسی تخیلی چون "کتاب دد مهوروت"، "کوزاویلی" و داستان عده حایات را، آثار تخیلی - جادویی و طنزآمیز و "بیوسف واحد" وارد می گردند. سلسله نامل "اووزنامه" حکایات در باره زندگی تشکیل می دهند. کهن ترین عدا در قرن ۱۴-۱۳ میلادی و بخشهایی از آن نیز حکایات در باره حیوانات نگاشته شده اند. حیوانات در قرن ۱۶-۱۵ تنظیم گردیدند. قدیمی ترین بخش این گونه آثار رئالیستی اجتماعی، عقاید خرافی و اخلاق مورد کتاب یعنی "کتاب دد مهوروت" (مهوروت آتاشنگ کتابی تسخیر، بیگانه با مردم را بازتاب می دهد. حکایات

مشتمل بر ۱۲ بخش می باشد. قهرمانان این اثر حماسی اووزها (اسلاف قدیمی ترکمن ها) هستند. در این اثر دده مهوروت، ریش سفید قاپیل احترام و نمایندگی در باره اووزها است که به لحاظ ادبانه و دلاوریهای قهرمانانه خویش شهرت دارد. احتمالاً این حماسه در قرن دهم میلادی پدید آمده و تنظیم نهایی آن در قرن سیزدهم ۱۴-۱۵ به اتمام رسیده است. متن کامل آن برای اولین بار به سال ۱۳۴۴ هجری (۱۹۱۶-۱۷) در استانبول به چاپ رسید و فصلی از آن تا در سالهای ۱۹۴۰-۴۱ در مجله ادبیات شوروی به نشر درآمد. حماسه "کوزاویلی" از حماسه های جادویی است که تحت عناوین مختلف در میان خلق های ازبک، تاجیک، آذربایجان، ارمنی، گرجی و دیگران از شهرت بسیار برخوردار است. در تعبیر ترکمن ها، حماسه قهرمانانه "کوزاویلی" مشتمل بر ۵۰ بخش می باشد. بخشها را باخشی ها اجرا می کنند. در این اثر حماسی، مبارزه خلقی آزاده در راه زندگی سعادت مند، آزادی و عدالت بازتاب یافته است. کوزاویلی - ون ترانه سرایشی زیور دست، همواره پر اوج و سخت و دشوار چهره می شود. این خصلت شکست ناپذیری در عین حال شامل اسب و چهل تن از جوانان آن همراه او نیز می باشد. فصلی از این اثر حماسی در قرن ۱۲ میلادی پدید آمد و بعدها با انعکاس آداب و رسوم و حیات معنوی و مادی خلق های آسیای میانه در آن، عناصر بسیاری یافت.

آثار فولکلوریک خلق ترکمن، یاد حالت تخیلات خلسه و الهام از واقعیات غشی ترند. در این باره می توان به افسانه "ابوسلم نامه" اشاره نمود. در این افسانه، سخن از ابوسلم به مثابه رهبر قیام کنندگان علیه خاندان بنی امیه در قرن هشتم میلادی در مرو می رود که در راه رهایی خلق از یوغ بندگی و اسارت اجتماعی می ریزد. در این اثر با حوادث قهرمانانه، تخیلی و پرمرا جنانگشته شده است.

ب - افسانه ها، روایات، لطایف و حکایات

متاب نثرگونه فلکلور خلق ترکمن را تشکیل می دهند. حکایات از مکتب های نثرگونه قدیمی هستند که بر پایه تخیلات و پدیدهای واقعی استوار می باشند. مضامین و داستان عده حایات را، آثار تخیلی - جادویی و طنزآمیز و "بیوسف واحد" وارد می گردند. سلسله نامل "اووزنامه" حکایات در باره زندگی تشکیل می دهند. کهن ترین عدا در قرن ۱۴-۱۳ میلادی و بخشهایی از آن نیز حکایات در باره حیوانات نگاشته شده اند. حیوانات در قرن ۱۶-۱۵ تنظیم گردیدند. قدیمی ترین بخش این گونه آثار رئالیستی اجتماعی، عقاید خرافی و اخلاق مورد کتاب یعنی "کتاب دد مهوروت" (مهوروت آتاشنگ کتابی تسخیر، بیگانه با مردم را بازتاب می دهد. حکایات



۲) مکتب‌های مردمی

ترانه‌های لاله (ترانه‌های دختران)، ترانه‌های عروسی و لودخانه وطن‌آمیز و هودی (لالایی) و رباعیات شوخی‌آمیز و شیون و زاری در مکتب‌های می‌گنجند.

الف - لاله (ترانه‌های دختران)

هر لاله شعری ۷-۸ بیتی است که در شکل رباعی توسط دختران و زنان جوان اجرا می‌گردد. لاله در باشکسال "درداق لاله"، "انک لاله"، "بوقور دوق لاله" و "خفتا لاله" به اجرا می‌آید.

ب - ترانه‌های عروسی

این ترانه‌های سنتی در مراسم عروسی در خانه عروس و داماد اجرا می‌گردد. در این ترانه‌ها شاید عروس و داماد مورد تحسین قرار گرفته و سرای آنان در روابط خانوادگی خوب و عزیزان سالم و بهره‌آرزو می‌شود. ترانه‌های عروسی در میان ترکمن‌ها تحت عناوین مختلفی چون "اولهن"، "اوود-سهن" "های اولهن"، "یار-یار" و "کییران" سرود شده‌اند. این ترانه‌ها منابع فنانا پذیر مطالعه هستی، مردب‌سناسی و فرهنگ خلق ترکمن می‌باشند. ترانه‌های عروسی خلق ترکمن بسیار ساده بوده و با مضامین هم‌آهنگ به عسر و هشتمند انهای شکل داده شده‌اند.

ج - هودی (لالایی)

هودی (لالایی) رباعیات کهنه‌ای اند که توسط زنان در کنار بزم‌ها اجرا می‌گردد. مضامین آن رباعیات به لغات "هی-یا-هی" و "هووو-هو" ختم می‌گردد. هر یک از مضامین مستقلی به خود رند و به لحاظ ضمیمه می‌توان تشخیص داد که راعی مذکور خطاب به چه کسی است (به پسر چه و یا دختر چه) و توسط چه کسی اجرا می‌گردد (مادر بزرگ، یا مادر یا خواهر). هودی (لالایی) با لطافت و عشق سروده شده. ۸ مراه است و در آنان بهترین آرزوها برای کودکان برآزمی‌گردد.

د - آغلار مونجوغ‌اندی، اساناواچلار، یوما-اسلار، یانگفتا چلار

از دیگر رباعیات سنتی خلق ترکمن رباعیاتی است که در هنگام بخاک سپردن نزد بدان و اقوام توسط زنان اجرا می‌گردد (آغلار). در این رباعیات ضمن ایسراز نگارنی و اندوه به خاطر از دست دادن فرد نزدیک، صفات نیک او مورد ستایش قرار می‌گیرند.

"مونجوغ‌اندی" از رباعیات عاشقانه است که معمولاً در نوروز توسط دختران اجرا می‌گردد. در این رباعیات بعبه در صحنه ۵

مبتنی بر زندگی که بر پایه واقعیت استوارند، بی‌غدالتی و بی‌رحمی را مورد سرزنش قرار داده و پیروزی خیر را بر شرارتی را برده‌ی خود مورد ستایش قرار می‌دهند. حکایات تخیلی مانند "محمد جان" بر حسب دلت استثنایی استوارند. آنان با جاد و گری پیوند داشته و آمل و افکار و اید مال‌های زیبایی شناسی خلق ترکمن را بازنمایی دهند. قهرمانان این حکایات زنیروی ماورا الطبیعه و از ذکاوت و تیزهوشی غیرعادی برخوردارند. در حکایات طنزآمیز، شیخ‌ها و صوفی‌ها و ملاها و شروتمندان و هیات حاکمه که در تقابل با جسارت و چالاکتی قهرمانان برخاسته از میان خلق قرار دارند، مورد استهزا قرار می‌گیرند. حثایت "بارتی هولان" از این دست آثار به شمار می‌رود. روایات، توضیحات شفاهی مضامین تاریخی می‌باشند. فلطور خلق ترکمن به لحاظ وجود افسانه‌هایی که در باره منشأ عناوین این یا آن محل جغرافیایی (قلعه اسلندر، تپه خونین و غیره) سخن می‌گویند، از مضمون عناصری برخوردار است. بیشتر دیگر افسانه‌ها با امر حسودت تاریخی و شخصیت‌های نامدار پیوند دارند. گفته می‌شود که پیشماری در باره غلبه زنیوایی، مخومغلی، سیدی و دیگر وجود دارد. لطیفه، به مثابه صحبت بدله‌گویانه کونا‌های که برین حادثه یا کندی استوار است در میان مردم رواج زیادی دارد. بسیاری از لطیفه‌ها خصالت‌شدید اجتماعی داشته و اخلاق بیگانه با جامعه را به باد تمسخر گرفته و رفتارهای ناپسند را افشا می‌سازند. بسیاری از لطایف با نام کمینه که روحانیون مرتجع را به زیر سؤال گرفته و توهین را مورد انتقاد قرار می‌دهد، پیوندی گسست ناپذیر دارند.

در میان آثار فولکلوریک خلق ترکمن می‌توان به ضرب‌المثل‌ها، مثل‌ها و چیستانها اشاره نمود.

در ضرب‌المثل‌ها، به‌خوبی هستی و اخلاق خلق ترکمن و عادات و روانشناسی و مناسبات خانوادگی و پرآیند اجتماعی و کاری و دیگر جنبه‌های زندگی ترکمن‌ها بازتاب یافته است. دانشمندان تا بحال حدود ۴۵۰۰ ضرب‌المثل را جمع‌آوری کرده‌اند.

چیستانها، آثار شعرگونه کوتاهی هستند که بر سر توصیفات کنایه‌آمیز از موضوعات و باید به‌ها استوار بوده و می‌بایست آنان را حدس زد. چیستانها توانایی جمع‌بندی را رشد داده و کمک می‌کنند که میان پدیده‌ها رابطه برقرار شود. در آثار ادبی کلاسیک خلق ترکمن نمونه‌های فراوانی از چیستانها وجود دارد. (جواب به مسئولات مخومغلی و پاسخ‌های دردی شاهیر و غیره).



مثلا ۵ سال پیش، يك پارد رخطبه نماز جمعه، نسیس همین مبارزه با هشدارتگان د هندهای تن همه گران فروشان را بلرزه درآورد: \* امام زمان وقتی آمد و دید که شروتمند اینهمه پول دارد، باز هم گراب فروشی میکند یا او برخوردش مثل ماها نیست ۱۰۰ فاطم بر- خورد میکند و مسائل را جود یگری حل میکند ۰۰۰ مثل ماها امام زمان چهار سال صبر نیکند نه اصل ۹ ۴ در مجلس است - میخواهد دریابید تا ببینیم پولدارها چه زده اند و این پولها را از کجا آورده اند؟ (اطلاعات ۱۴ ۳ ۱۲)

البته که امام زمان هنوز نیآمده است و شیخ علی اکبر هم چون خودش امام زمان نیست و مسائل را هم بلد نیست جود یگری حل کند ۵۰ سال دیگر هم صبر کرده است و کاری سم ندارد که \* پولدارها چه زده اند و این پول را از کجا آورده اند \* و بطور لاسیتیک فروش - متعهد دستیک ۲۵۴ تومانی راجعتی ۲۵ تا ۴۰ هزار تومان میفرشد و قیمت وسایل برقی عمر یکی دو ماه به دو برابر قیمت رسیده اند و چه و چه وجه ۰۰۰ آخر تونار امام زمان که نباید دخالت کرد!

اما الرضیه تنها و تنها به تجار و بازاریهای خاتمه مییافت شاید، شاید، شاید هم حداقل نایب امام - زمان پیدا میشد و دستی به این پارکچ مادرزادی گرفت تا حیوات نفسی تازه کند، اما کار از این بیشتر بیخ دارد و درد یکی دوتا نیست ۰ مثلا این دولت با کسر بودجه و استقرار همزاد است ۰ سالی نیست که دخل و خرج دولت به هم بیاید و علی الخصوص پراز اینکه قیمت نفت از حدود ۳۰ دلار به دویز بر ۱۰ دلار سقوط کرد دولت برای خرج اسال ۱۷۰۰ میلیارد ریال کسر بودجه دارد و به همین خاطر بانک مرکزی استقرار میکند تا پول داشته باشد و خرج کند اما این پول از کجا میآید؟ بانک مرکزی مثل هر سال مهرود اسکناس چاپ می کند بعد می آورد و دوستی مید-هد دست دولت ۰ بعد دوباره پول کاغذی توی مملکت زیاد میشود ۰ این هم یعنی همان تور که خود دولت شب و روز با آن مبارزه میکند ۰ پول زیاد تر و مقدار کالا هر روز کمتر از روز پیش، چون سرمایه دار مغز خر نخورده که سود یاد آورده معامله را ول کند و برود تولید مملکت را بالا ببرد، دولت هم که عفش کرد نیست ارز زمان بسته به خارخی ها بدهد و بجای اسلحه شش دست گوشت بیخ زده و برنج و ماش نامرغوب وارد کشور اسلامی بکند ۰ هر کس هم سه کلاس حساب بلد نباشد میفهمد ایسن بقیه در صفحه ۱۷

بله مردم حساب بلدند و میدانند که اگر ۱۲ از ۱ کم شود چیزی نمیماند و اگر دولت با بازار ایشان به یک جوی نصیرت گرانی اینطور نسمه از گرده فقیر بیچاره ها و آدمهای يك لاقهای مزد و حقوق بگیر دولت و بخش خصوصی نمی کشید ۰

شريك درد رفیق قافله نمیشود ۰ حالا دیگر د تهاست بین حکومتها و هله ناچوری پیدا نمیشود که خدای نا - کرده به تجار و بازاریان متعهد نسبت اختکار و گران - فروشی بدهد و اگر هم يك زمانی چنین آدم سهوکاری بوده باشد همان پنج شش سال پیش زانشر را گساز گرفته و یا پآب تویه عمل کرده است ۰ همه این طایفه از صد رتادیل گرفته این بازاریان دست و یک پارچه \* استوانه انقلاب قیپینند که همه چیزش را در راه - انقلاب داده و آنچه که از حرف حاشری شیرازی (امام جمعه شیراز) بر میآید بازاری روحانیت دولت که يك یسار هستند، و در این میان محتکرها و سود جوها خودشان اصلا باواری نیستند بلکه به بازار خنه کرده اند (یا للمعجب!) حتی منتفکری، در آن زمان که هنوز ولایت فقیه یشمی به کلاه داشت و خصمی جان پسر نند ه بود و ولیعهدی امام این قدر عنوان بی مسامتی نبود و بازم میشد شعرا \* امید امت و امام \* را از دویز بر بیت شنید دست از ننگ مضراب زنی های یکی دو ساله اول برداشته و هرنگ جماعت بارها شهادت داد که امراد فاسد و سود جو که خود را به اسم بازاری جا زده - اند حسابشان از بازار جداست ۰ \* ارادت خاندانهای به بازار هم که مادرزادی است و احتیاجی به نقل و - شاهد ندارد، اما رقیب اصلی همه مدعی های دست بالا در حکومت که امروز دیگر که هوش را کج تراز همه میگذارد و تیغش بیشتر از همه صیقل خورده است، یعنی هاشمی رفسنجانی وقتی که سواخ دعا پیدا کرد استاد تراز بقیه به آن جنگ انداخت و چنان مظلومیت بازاری ها را برای عوام الناس آشکار کرد که دل هر مشتری با انصافی را به حال این امامزاده داغ کرد ۰۰۰ به سر همین بازارها دیدید چه آوردند؟ بعد از انقلاب کلمه بازاری يك چیز معیوسب به نظرمی رسید ۰ در صورتی که میدانید، این بازارها از روز اولی که انقلاب اسلامی شروع شد خدا میداند بهترین دوستان انقلاب بودند ۰ در زمان آیت الله - کاشانی ۰۰۰ اما انصاف آن که خود رئیس مجلس هم البته طیرم اینچیر شهادت های مدعی مجاب کن، مثل بقیه از همان اول با گرانفروشی مبارزه قاطع میکرد ۰

### شکار و ماهیگیری ترکمن‌ها در قرون ۱۸ و ۱۹

بخش نخست این مقاله در شماره گذشته چاپ شد. اینک در بخش دیگر آن ۳۵ به شکار و ماهیگیری اختصاص دارد. از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد. مقاله بوسیله مراد آقاویف محقق جمهوری شوروی ترکمنستان نگاشته شده است.

#### ب- شکار

د لذت‌بری به شمار می‌آید. برای شکار از وسایل گوناگونی استفاده می‌نمودند (حبیبک، جوزاق، چپنرستک) و بزرگ‌سار حیوانات بزرگ و وحشی از ننگ‌های سحرآمیز استفاده می‌نمودند. برای شکار گوزنها، سگ‌چیان با تجربه از سنجی‌های دریایی و در کوهها برای شکار انا از توره‌های مخفی (پرده) استفاده می‌نمودند.

در اقتصاد ترکمن‌ها شکار یاور جدی به خصوص در مردمان ادااری سبب شکار می‌شد. در میان ترکمن‌ها بیشتر کوچکی از شکارچیان حرفه‌ای (اوجی، مرگن) وجود داشتند. در این باره نیلوف می‌نویسد که در سال ۱۷۴۱ در مانیفستاق او به گروهی از ترکمن‌ها برمی‌خورد که خود را شکارچی نامیده و به شکار حیوانات وحشی می‌پرداختند. سه تن از آنان دارای سلاح بودند. در ژوئن ۱۹ - ۱۸ اشتغال به شکار به فراوانی توسط به خصوص در میان ترکمن‌های صحرانشین باری می‌رساند.

اهالی فقیر حاصل شکار خود را باد بکر کالاها مورد مبادله قرار می‌دادند. در سال‌های ۸۰ قسطنطنیه ۱۹ در بازار ماری به معیار زیادی خرگوش، فرماول، آهو، سگ و غیره به قیمت بسیار ارزان به فروش می‌رسیدند. ترکمن‌های ساحل دامنه توبها، برای شکار حیوانات وحشی (بیر، پلنگ، گرگ) و وسایل خاصی استفاده می‌نمودند. این نوع شکار مختص افراد ساجاج بود که گاه در تارهای حیوانات یا جان خود را از دست می‌دادند و یا زخم‌های جدی بر می‌داشتند. حیوانات وحشی توسط ترکمن‌ها می‌شد. زیرا آنان به شکار وری و دام اهالی آسیب‌های جدی می‌رساندند. شکار در میان ترکمن‌ها از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و تا زمان ما نیز همچنان ادامه دارد.

در صحنه‌های فرعی در مناطق یرگوست، ادااران به شکار خرگوش، آهو، روباه و گربه می‌پرداختند. آنان هم - زمین پرندگان بزرگی چون سمرغ (سودارت، توفلوی)، پلیمان (مویار)، کیتک (کلیتلیک) را نیز شکار می‌کردند. در حوضه‌های روستاهای ترکمن‌نشین در عمیق‌ترین حال به شکار فرماول (سولون) نیز می‌پرداختند. شکار فرماول و سردو به ویژه در هنگام برف سنگین شکار می‌رفتند.

#### ج- ماهیگیری

ماهیگیری یکی از حرفه‌های اصلی ترکمن‌های ساحل حوالی دریای خزر بوده است. عناصر رودخانه‌های اترک، کرگان و فرسوبا دریا، محل صیاد برای صید محسوب می‌گردد. در این باره تاریخی می‌نویسد: "ارماه ماورد ری آبیانه از قبل ماهی (دومی)، (تار ماهی، پنجه)، اووزون بیرون (تیرانا) می‌گردد. در این ایام آنان با خود صید می‌کنند، بلکه با شستن بر روی زانودر آب ماهی را با چنگک بیرون می‌کنند. اما صیادان ماهی در رودخانه‌های فرسوبا، کسیرگان و اترک در ماه صید ماهی می‌باشند. دریاچه صناعی در فصل پاییز آبیانه از قبل ماهی تار ماهی، اووزون بیرون، کوزد، تاریخی می‌نویسد که این ماهی در اهرم زیاد می‌شود که مانند خالکوبی بر بدن و یکبارچه به نظر می‌رسد. قیل ماهی که چشمه مول آسای آن در آبهای کم‌عمق به خوبی هوید می‌باشد، در میان کل ولای تشیده می‌شود که تا حد امان پسته

در حدی دریای خزر، شکار پرندگان دریایی چسبناک، مار سبز، نوآردک و دیگر پرندگان (پاراق، قاشقالدان، چپانه) رویا وسیعی داشت. در فصل پاییز تعداد این پرندگان به قدری زیاد می‌شد که آنان را با چوب می‌زدند. پرندگان را با ننگ و توره‌های مخصوص (ادااران) می‌زدند. شکار فرماول و شکار با ننگ، سگهای شکاری (تازی) و پرندگان شکاری (ال عیتر، توره‌تر، لاجین) که ترکمن‌های شکاری برای آنان ارزش بسیاری قاشقالدان به صورت می‌گرفت. برای یک پرند شکاری خوب پسته اندازه شش و یا یک اسب خوب ارزش قابل می‌شدند. گاهها برای یک اسب خوب (تازی) دستنمیز می‌پرداختند. و پرندگان شکاری را تنها می‌توانستند نامدااران شکارند. رتبه این امر برای آنان در رختن نگرانی

## دریا بالیقچیلانگی

نزد یکی مصب رودخانه اتسک راه باز شد. فراواتسی  
 بزمنند ترین نژاد ماهیها، وجود نیروی آزاد تارونزد یکی  
 ننگ تقریبا رایگان، تراشد مساعی برای رسد ماهیگیری  
 در میان ترنمن های ساکن ایران فراهم آورد است.\*  
 ترنمن های که سالها پیش به دامنه کراسنودسک

( قبلا شاهدم نامید می شد ) و شبه جزیره مانیفشلاق  
 کوچیده بودند، به امراهیگیری اشتغال می ورزیدند.  
 در سال های ۴۰ قرن ۱۸، اهالی که در حوالی دامنه  
 کراسنودسک میزیستند، ماهی رانه تنها برای مصرف  
 شخصی و برای فروش به طوایف ترنمن هصایه خود نیز  
 صید می کردند. در سال ۱۷۶۴، لاویونسکی در  
 دریایچه کند لری در مانیفشلاق به ماهیگیران ترنمن  
 برمی خورد که با قلاب ماهی را صید کرده و پانیزه های  
 نوبه (فاد القسا) آنان را می کشند.

فصل های صید ماهی، بهار و پاییز بود. در فصل  
 بهار قیل ماهی، ناسر ماهی و اوژون برون مورد صید  
 فرا می رفتند. در فصل پائیز علاوه بر این ماهیها،  
 ماهیهای کوچکتر چون قلعه (چاقاق)، انفال (هاریالتر)،  
 و غیره صید می شدند. ماهیگیران برای صید غالباً در آن  
 تل هایی نرد می آمدند. ابزار اصلی صید ماهی قلاب  
 (مانشراق) بود. در رنایسان که در ریا آرام می شد،  
 ماهیان بزرگ را با چنگک صید می کردند. ترنمن هسا  
 در زمین حال در صید ماهی وسیعاً از تورهای نخسی و  
 نایلونی (سوزکوی، تور آه) استفاده می کردند.

ترنمن های ساکن در ریا، از قرنهای پیش با ماهیگیری  
 پرداخته و در ریانوردان خوبی بودند. اما علیرغم  
 آن، تشنگ صید ماهی، در سطح پائینی بود و این خود  
 گاه حوادث ناگوار را پیش می آورد. ماهیگیران با  
 قایقهای چوبی نه چندان بزرگ خود خوانائی مغایله با  
 حوادث در ریا را ندانند. و اغلب قربانی امواج سهمگین  
 دریا می شدند. اما علیرغم پائین بودن تشنگ صید ماهی  
 در ریا، ترنمن ها، ماهیان زیادی بخصوص توسط ترنمن-  
 های ساکن ایران صید می شد. بخش عده ماهیان صید  
 شده توسط تجار روس و بختر دیگر نیز توسط تجار ایرانی  
 سربراری می شدند. بیوت های ساکن در ریا خسز  
 ماهی را در فصل زمستان به سدل خاصی صید می کردند.  
 گامین می نویسد "آنان ماهی را تنه کرده و در خود  
 رومن ماهی سرخ می نمایند. ماهی را تا اندازهای مسیح  
 می کشند که رنگش تغییر کند. در همین حال گاهگاهی  
 آن را هم می زنند و سپهر بیرون آورده می خورد."

شروت سواحل جنوب شرقسی در ریا، خزر از ایلام  
 در نوبه، تجار آسترخان و خریداران ماهی را که از نیه

د. م. مرن ۱۸، آمدن به این مناطق را آغاز نمودند، به  
 خود جلب نمود. اما ارتباطات منظم ثلاثی میان  
 ماهیگیران و تجار آسترخان در آغاز قرن ۱۶ شکل  
 گرفت و در سال های ۲۰ این ارتباطات گسترش بیشتری  
 یافت.  
 به سال ۱۸۲۰ قیات خان ناچر بزرگ ترنمن، به  
 هنگام بداریا زرنال پروموف در رنغلیس، متوجه شد که  
 تمامی معاملات با خلق ها از طریق او صورت می پذیرد.  
 علاوه بر آن او درخواست نمود که به او اجازه داده شود  
 تا ننگ های خود را به وسیله ارسال آزاد، او کوشش  
 می کرد که انحصار تجارت اهی را به دست آورد. کسه  
 بعد از این، در این ره موفقیت های نیز دست یافت.  
 - راین رابطه به مبارزه رقابت آمیز با میر باقر تا جبر  
 برمی خیزد. در سال ۱۸۶۲، حاکم مازندران امینا ز  
 خرید ماهیان ترنمن ها را برای مدت ده سال به میر باقر  
 واگذار نمود. با این شرط که وی می باید سالانه ۱۶۵  
 تومان نیریزی به حاکم مازندران بپردازد. این امر واکنش  
 منفی را در میان ترنمن های ساکن جنوب شرقی بدنیال  
 داشت. آنان صی نامهای به تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۸۶۲،  
 خطاب به فرماندار آسترخان رسماً اعلام کردند که "در ریا  
 و ماهی از آن ماست. ماهی را ما صید می کنیم و خریدمان  
 نیز به فروش می رسانیم." این امر هیچگونه ربطی به  
 شاهزاده ندارد. در سال ۱۸۲۸-۱۸۲۶ در زمستان  
 جنگ میان ایران و روس، روسیه از اعتراضات ترنمن های  
 ساکن - ریا حمایت نمود. در نتیجه حمایت روسیه، شیلات  
 جنوب شرقی در دست ترنمن ها باقی ماند.  
 با آغاز نیمه سال های ۲۰ قرن ۱۹، مبارزه رقابت  
 آمیزی برای حصه شیلات ترنمن ها شدت می گیرد. در  
 آغاز سال ۱۸۳۵، ترنمن های ساکن جنوب شرقی در ریا  
 خزر مرزادی را با تجار آسترخان، بنام گروسیوف میش  
 بر فروش شیلات مصب رودخانه های اتسک، گرگان و قره سو  
 منعقد می نماید. بنا به قرارداد، ترنمن ها موظف می شوند  
 که در این منطقه ماهی را صید کرده و از پوست آنسان  
 جیب برای گروسیوف آماده کنند. در این لحظه مبارزه  
 خادی میان تجار آسترخان بر سر شیلات ترنمن های  
 ساکن سواحل دریا آغاز می گردد. در این مبارزه قیسات  
 خان و پسران وی شرکت فعالی داشتند. این مبارزه به  
 نشسته شدن قیات خان و پسر بزرگ او یاخشی محمد و د  
 نوه وی در قفقاز و در محدوده فرماندهی روسیه و همچنین  
 برادر گروسیوف و ناگرگان او می انجامد.

نقشه در شماره آینده

### انسانهارا باورکن

۲۵ سال از د رگت ناظم حمت منگدرد ۰ ساعر  
 انگلایی ترک، برای رسمیت... ان میسهن  
 ماغریبه نیست ۰ ناظم برای همافلاپیون جهان و برای همه  
 آنهایی که بخاطر خوشبختی انسانها و برای آزادی و  
 پیروزی بشریت از قید جور و ستم دیرینه مبارزه می کنند نامی  
 آشناست ۰ در کشورها آثار متعددی از ناظم حکمت ترجمه و  
 منتشر شده است ۰ ناظم حکمت در سال ۱۹۰۲ در ترکیه  
 چشم به جهان گشود ۰ در سال ۱۹۱۸ بعد از سه سال در  
 بیروت زندگی کرد ۰ در ۱۹۱۹ به علت سرودن اشعاری علیه  
 مداخله گران خارجی در آنجا اخراج شد ۰ اولین شعرش در  
 ۱۹۱۸ به چاپ رسید ۰ در ۱۹۲۰ از استانبول تحت اشغال  
 بعثات تولی که در آنجا آتش مبارزات رهایی بخش ملی داغتر  
 بود رفت ۰ در ۱۹۲۱ با خروج از ترکیه در " دانشگاه کمو -  
 نیستی زحمتکشان شرق " در مسکو به تحصیل مشغول شد ۰  
 از سال ۱۹۲۲ به جرگه کمونیستها پیوست ۰ در ۱۹۲۴ پس  
 از بازگشت به ترکیه در روزنامه انقلابی " داس وچکش " و مجله  
 " روشنائی " با الهام از دیدگاههای لنینی به کار انقلابی و  
 ادبی خود ادامه داد ۰ ارگانه های نوپس از آمدن او از طرف  
 نیروهای - ولتی ترکیه متوقف و ناظم حکمت تحت تعقیب  
 قرار گرفته و تا به ۱۵ سال زندان محکوم می گردد ۰ ناظم  
 حکمت در اوت ۱۹۲۷ دوباره بصورت مخفی وارد اتحاد  
 شوروی شد ۰ در ۱۹۲۸ پس از بازگشت به ترکیه دستگیر و  
 بعد از گذراندن ۸ ماه زندان بعلت فقدان مدارک، دولت  
 ترکیه مجبور به آزادی وی گشت ۰ در ۱۹۲۸ اولین کتاب شعر  
 ناظم به نام " سرودنوشندگان آفتاب " از چاپ خارج شد ۰ در  
 همین دوره در آثار متعدد ناظم، زندگی فلاکتناز و هلاک،  
 فرخانی، آنها به مبارزه انقلابی با دیدن انقلابی و هنرمند -  
 انصافگر می شود ۰ در شعرها، رمانها، داستانهای منظوم  
 منظومه ها و نمایشنامه ها، ناظم حکمت سیاستهای امپریالیسم  
 و سیستم سرمایه داری افشا و طرد می شود ۰ در سال ۱۹۳۲  
 بعلت نگارش کتاب " تلگرامی کشتب رسید " به ۵ سال حبس  
 محکوم می شود ۰ در این کتاب ناظم حکمت کمونیستهای -  
 ترکیه را به مبارزه متحد و هماهنگ دعوت می کند ۰ بطور کلی  
 می شود گفت که از این دوره به بعد ناظم حکمت به خاطر  
 نوشتن هر کتاب شعر و رمان و... بازداشت شده است ۰ در  
 سالهای ۳۶ - ۱۹۳۵ ناظم در آنار خود فاشیسم و طرفدار -  
 آن آنراد ترکیه افشا می کند ۰ در ۱۹۳۸ به اتهام واهی و  
 اثبات نشده در دادگاه ۲۸ سال و ۴ ماه زندان محکوم  
 می شود ۰ ناظم حکمت که همیشه قلبش بخاطر رهایی انسا -  
 نهادر سینه می تپید در داخل زندان نیز از مبارزه نمی ماند

و بیشتر آثار بزرگ خود را از قبیل " نامه های از زندان " به  
 رشته تحریر درسی آورد ۰ در سال ۱۹۵۰ تحت فشار  
 افکار عمومی مترقی دنیا، رژیم ترکیه مجبور به آزادی وی از -  
 زندان می شود و ناظم پس از آزادی از زندان در ۱۹۵۱ به  
 اتحاد شوروی می رود و تا آخر عمر در آنجا زندگی می کند ۰  
 ناظم حکمت در سال ۱۹۶۳ در مسکو چشم از جهان فرو بست ۰  
 ناظم حکمت تا هنر نواری است که ادبیات ترک را با  
 شکل جدید و محتوای مترقی تکامل بخشید است ۰ ناظم -  
 حکمت بنیانگذار شعر نو راد بیات ترکیه می باشد ۰ خلایق  
 وی در ادبیات معاصر ترک تاثیر بسزایی برجای گذاشته است ۰  
 آثار ناظم حکمت به اکثر زبانهای دنیا ترجمه و نمایشنامه هایش  
 در برخی از کشورها به صحنه آمده است ۰ در همین اینکه  
 انتشارات کتر آثاری در ترکیه منوع بود است ۰ ناظم حکمت یکی  
 از بزرگترین شاعران قرن معاصر شعاری بود ۰ وی از سال  
 ۱۹۵۱ به عضویت پیروی شورای جهانی صلح و از ۱۹۵۹ به  
 عضویت هیئت رئیسه این شورا پذیرفته شد است ۰ ناظم  
 حکمت در سال ۱۹۵۰ برنده جایزه بین المللی صلح  
 شده است ۰

#### " سرودنوشندگان آفتاب "

این سرودی است،  
 سرود کسانیکه  
 در کاسه های سفالین  
 آفتاب را می نوشند  
 این بافتنای است  
 بافتنای در آتش  
 که بر پیشانی اسرگون قهرمانان برهنه پای  
 در پیچ و تاب است  
 و چون مشعلی خونین، شعله ور  
 من هم دیدم آن قهرمانان را  
 من هم به پیچ و تاب در آوردم آن بافته را  
 من همپا آنان، گذشتم،  
 از نیلی که به خورشید می پیوست  
 من هم در کاسه های سفالین  
 نوشیدم آفتاب را  
 من هم خواندم آن سرود را...  
 دلپایان  
 شتاب را از زمین گرفت  
 و آندم که کام شیران زمین پال را دیدیم  
 آرام گرفتیم



پرده هم:

سوار باد تند آسا شدیم

xxxxx

عقابهایی که از صخره ای به صخره ی دیگر پروازند  
بالهای مظالمشان را در نور برهم می زنند  
سواران آتشین میج  
براسب های سرکش خود

شلاق می کشند

معدا نیست

حمله به خورشید

خورشید را مسخر خواهیم کرد

فتح خورشید نزدیک است.

همراه مانهایند

آنهاشیکه از اشک چشم کسان خود

دانه های زنجیر

برگردن دارند

دنیال ما نهانند

آنانیکه در پوسته ی دلشان زند ماند

اینک:

در آتشی که از خورشید نازل شده

میلونها قلب سرخ شعله ور است

تونیز قلبت را از قفس سینه

بیرون آر

بخلطان میان آتشی که

نازل شده از خورشید

دلت را به دلهای ما بفرزای

حلقه ایست

حمله به خورشید

خورشید را مسخر خواهیم کرد

فتح خورشید نزدیک است.

ما از خاک و آتش و آب و آهن زادیم

زنانمان پستان خورشید به کودکانمان می نوشانند

و ریش مسیلمان بوی خاک می دهند

گرم گرمیم.

این سرود،

— این صدا —

قدرت این صدا

بر چشم گرگهای گرسنه

پرده می کشد

و آنها را

بر جای خوبستن میخکوب می سازد.

امر کن تا بیاید

امر کن

ما، در این صدا

در اوج این صدا

آفتاب را می نوشیم.

می نازیم،

و می نازند،

در پرده دود افقهای سوخته می نازند

اسبهانیکه سناشان، سینه آسمان را می شکافد

حمله ایست

حمله به خورشید

خورشید را مسخر خواهیم کرد.

فتح خورشید نزدیک است.

زمین من،

آسمان من

فریاد بزن سرود نوشندگان آفتاب را

فریاد بزن

فریاد می زنم.

انسانها را باور کن!

در جهان چون مستاجری موقت و چون مهمانی در تابستان  
باش.

جهان را خانه پدریت بدان

بدر را باور کن، زمین را، دریا را باور کن

اما پیش از همه، انسانها را باور کن!

ابرهه را، بادها را، کتابها را دوست بدار

اما پیش از همه انسانها را دوست بدار!

درد شاخه خشکیده را در ریاب،

درد ستاره ای را که خاموش می شود،

درد جانوری مجروح را،

اما پیش از همه، درد انسانها را در ریاب!

بگذار طبیعت غنی، شادمانت کند.

بگذار نور و تاریکی شادایت یخشد.

بگذار چهار فصل یهودت آورند.

اما پیش از همه، بگذار انسانها شادمانت کنند.

### کیست این یک لاقبای کفرگو؟

گوش نمی سپارد وندادرمی دهد که :  
 فاش می گویم وازگفتهخود دلشادم  
 بند معشقم واز هر دو جهان آزادم  
 میوس جز لب معشوق وجام می حافظ  
 کدست زهد فروشان خطاستبوسیدن  
 معبود حافظ عشق است، تهادراین معنی می توان  
 حافظ را شناخت . حافظ عشق رادریای بی کز انطای می -  
 شناسد که چاره ای بجز ز فدا شدن و فنا شدن در آن نمی -  
 بیند .  
 بحری است بحر عشق که هیچ اثر کاره نیست  
 آنجا جز آنکه سر بسپارند چاره نیست  
 هر دم کدال به عشق دهی خوشتر می بود  
 در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست  
 حافظ شاعر یا سها و نا امید بیانیست بلکه برعکسوی -  
 همواره در بیشتر اشعار خود به انسانها در سخت ترین شرایط  
 و در تنگناها که زندگی امید بآینده ، امید بهصال و امید به  
 روزهای خوشتر را نمود می دهد .  
 در هر گردون گرد دروئی بر مراد مانرفت  
 داتما یکسان نماند حال دوران غمخور  
 بررسی جوانب کار و هنر حافظ در این مختصر نمی گنجد  
 لذا سخن را باغزلی ارحافظ به پایان می رسانیم :  
 بر سر آنم که کرد ست برآید  
 دست به کاری زتم کفصه سرآید  
 بگذرد این روزگار تلخ تراز زهر  
 باردگر روزگار چون شکر آید  
 بلبل عاشق ! تو عمر خواه ، که آخر  
 باغ شود سبز و سرخ گل به برآید  
 صبر و ظفر هر دو وسان قدیمند  
 بر اثر سر میرنوبت ظفر سرآید  
 صالح و طالع مانع خویش نمر دند  
 تا که قبل افتد و چه در نظر آید  
 خلوت دل نیست جای صحبت افساد  
 دیو چو بیرون رود فرشته در آید  
 بردار ریاب بی مروت دنیا  
 چند نشینی که خواجگی بد آید  
 صحبت حکام ، ظلمت شب یلد ست  
 نور ز خورشید جوی ، بو که بر آید  
 ظلمت حافظ در این سراچه ، عجب نیست  
 هر که به میخانه رفت بی خبر آید

یونسکو - بخش علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد - اسامی ( ۱۹۸۸ ) ، معادف با ششدهمین سالگرد وفات حافظ از مقام والای این اعویبه عالم ادب تحلیل می کنند . این سازمان در سیست و چهارمین اجلاس عمومی خود در پاریس ، دیوان حافظ را در فهرست آثار برجسته ادبیات جهان ثبت کرد . در همین اجلاس مقررنده که کشورهای عضو یونسکو ، در سال میلادی جاری ، بطور هم زمان مراسم بزرگداشت حافظ را برگزار کردند .  
 حافظ یکی از بزرگترین مفاخر ادبیات ایران و مظهر کلی ممالک شرق است . دیوان غزلیات وی که حاوی بیست و از ۵۰۰ غزل می باشد یکی از بزرگترین دستاوردهای شعر فارسی است که همواره چون العاصی بر تارک ادبیات فارسی می درخشد و خواهد درخشد . اشعار تفریق و تلف حافظ از دوره حیات وی تاکنون همیشه در زبان مردم میهن مسا بود است . مردم میهن ما همواره تمامی دردها ،رنجها ، جدائی ها ، عشق ها ، آرزوها و امید های خود را در آینه شفاف دیوان اشعار حافظ جستجو کرده می کنند . حافظ آماشها " لسان الغیب " مردم مانیت . کند انسا نهایی که محمد و ده زمان و زمان را در میبویند و به بشریت در همه جا و تمام اعصار ، تعلق می یابند و حافظ در شمار این کباب گوهر - ان عالم سعادت - " گوته " شاعر نایف لسانی که خود از جملاتین انسانهاست به بند پند و نظر حافظ یاد می کند : -  
 ای حافظ ! سخنان تو همچون ابدیت بزرگاست زیرا آنرا آثار و انجامی نیست . کلام تو چون گنبد آسمان تنها به خود وابسته است . لاجرم میان نیمه غزلت بسا مطلع و مطلع آن مرقی نمی توان گذاشت ، چه همعانهها آیت جمال و کمال است . اگر روزی دنیا برآید ، ای حافظ آسمانی ، آرزو دارم که تنها با تو در کنار تو باشم ، همراه تو باد می نوشم و چون تو عشق ورزم ، زیرا این افتخار زندگی و مایه حیات من است ."  
 برای شناختن حافظ و ارزش گذاری کاری قبل از هر چیز باید عصری را که حافظ در آن زندگی کرد باست بشناسیم . دوره حیات حافظ را می توان یکی از تاریک ترین ادوار تاریخ میهن ما دانست . دوره حمله و تاخت و تاز مغول ، دوره شکست ها و ناامیها ، دوره تسلط زاهدان ریایی و بازارگرایی زهد ، ریا ، سالوس و تیرنگ . دوره ای که جلاد این نظیر امیر مبارزالدین و پسرش شاه شجاع پایه های حکومت خود را بر سر حد زدن ، خم شکستن ، تبلیغات دینی و فزوات مذهبی ، قوا پخشید میبوند . در چنین دوره ای حافظ عامر غم - محد و بدبخت و فشارها به تنهایی پرچم مبارزه زهد ، ریا - دروغ و تزویر و تظاهر و جبر و ستم را بردوش می کشد ، به پندگی سلطان سرنمی گذارد ، بیجا و کویهای واعظان -



جاوود دست خود را نشی بزد بقیه از سینه!!

یعنی بالا رفتن قیمتها . میبایند ابروش را درست کنند چشمش را نور میکنند . اما راستش این است نه راه پس دارند و نه راه پیش . تازه استقراض و چاپ اسکناس تنها ابتکار دولت نیست . چند سال پیش آمدند راهی پیدا کردند که مردمی بهر خم بوجده تا قدر بگذارند بعد شروع کردند هم توی رادیو ، هم توی تلویزیون هم توی مجلس هم توی مسجد قسم خوردن و هم سر نماز دعا کردن - که کارفرمایان باشند که به مزد و حقوق بگیرها و یک لا میاها فشار نیاید . آنوقت چشمشان را بستند و گوششان را هم گرفتند و مالیاتها را هم توی اضافه کردند که فقط بیسه پولدارها شامل شود . اما هنوز چشم و گوششان بسته بود که بوی دود بده مشامشان رسید . مالیاتها خود - بخود دود شد . رفته بود شو چشم همان مرد و حقوق بگیر همان یک دقبا! خوب دولت چه تصمیم دارد که سرمایه دار مالیات را روی قیمت اجناس و خدمات میزند ؟ او که خود این کار را نکرده است! اما به او چه ربطی دارد که تا ده ها گران میشود . گران شدن کالاها یک چیز و مبارزه با گرانی یک چیز دیگر است . اگر اینطور بود چه تأثیر میبود که حکومت نمیتواند سرمای خود بیاستند . حکومت هم آدم است . حکومت هم کاسب است .

حکومت هم تابع قانون عرضه و تقاضا است . وقتی همه چیز گران است او هم باید پول خریدنش را داشته باشد . او هم ناچار باید مالیات را بیشتر کند ، او هم باید ورودی کنکور را بالا ببرد . او هم باید بلیط هواپیما را به دلار بفروشد تا بجای ۷۰۰۰ تومان ، ۱۲۰۰۰۰ تومان دستش بیاید وقتی حاشای غلط درآمد و فروش بلیط افت کرد و دوباره مجبور شد به ریال بفروشد . عوارض خروج را تا حدود ۲/۵ برابر اضافه کند ، او هم باید قیمت بنزین را بیشتر کند ، او هم باید نرخ سیگار و توتون را بالا ببرد او هم باید نرخ نفس کشیدن را زیاد بکند . او هم ... بلیط هواپیما باید گران بفروشد .

حالا معنی است بین این ملت قدر دولت شفاف - عده ای آدم کم جنبه هم پیدا شوند و بگویند که حساب عجب اینطور که میشود نفس قرض . پیشنهاد که این رقم خرابکاری کند پس نماز ...

لعنت ... این رابطه پیش نماز و پس نماز را کاری نمی شود کرد . موی دعا غشده . فسق حضرت عباس هم دیگر کارگرنیست ، بدشهادت که نه تنها دم که یار و سرخوس را هم معصوم بداند سرچه راهی ماند ؟ هیچ ، هیچ ،

فقط از کوجه علی چپ با گرانفروشی مبارزه کردن ! چند سال پیش " طرح نسیب اقتصادی " تا باد هوا بشود کلی گوش مردم را کز کرد . پارسال هم که طرح تعزیرات حکومتی و ... ریخته شده نه نتیجه اش افزایش قیمت اغلب اقلام کالاها و مصرفی طی دوسه ماهه اول امسال بود . بنابراین صدای طرح امسال را باید با کرنا و هل بیشتر به گوش مردم برسانیم . امسال باید طرح جدید ، بلیط " طرح جدید تعزیرات حکومتی " ارائه شود ، طرح جدید!

آخر دولت چه تصمیمی دارد ؟ حکومت کسر کردن خرج دارد! ۸ سال جنگ کردن خرج دارد ، فاجه و شلمچه و مجنون و زبیده و ... عراق باطنی سالها و بلیط به وجب با خون رفتن و عرض و وعده شکست خوردن و از دست دادن خریداران ، پاسداران لایحه چی اچیز کردن خرج دارد ... رفت و آمد مردم بسجده ، تقویت زندگی خصوصی مردم ، تعقیب مشکوکین و ... دستگیری آنها خرج دارد . هزار جور خرج دیگر هم هست خرج زندان ، خرج اعدام ، خرج گولوبه ، خرج تبلیغ ، خرج طرح نوشتن ، خرج بلیط ... مهمتر از همه خرج مبارزه با گرانفروشی ، خرج مبارزه با گرانفروشی ، خرج مبارزه با ...



غارغسی تودوک ... بقیه از صفحه ۲۲  
تودوک هم چون دو تار و کما نچه ترکمنی با مقام های طرفین و زیبا تنظیم شده است و با آن می توان اغلب آهنگهای ترکمنی را در حد توانایی مکانیسم غارغسی تودوک نواخت و حتی ترانه های غارغسی و کلاسیک را همراهی کرد . از جمله مقام های غارغسی تودوک ( گلین مقامی ) ، ( توری مقامی ) ( پورگیسی برسته ) است که هر یک نمونه ای از زندگی ساده و پاک و بی آلت خلق ترکمن را تصمیم می کند .

بیرجه آغلا دایسا ننگ اجه نگی!  
 مشهور بولماسا - دایم ننگ هم آتام  
 غوغنی یا زمان جالارنسا دایما چینی  
 شول سوزدی اوندونگ هم ...  
 اهدنگ سونگنی - سوزی  
 " بالذکر کونک آغترتا غنن اجه نگی! "

المیدن گنده نده ایلکینچی - ویکیم  
 کوزرونک بره نیمده با - ان گجه نی  
 انهم بیر آغلابدی  
 دهنده من شوندا  
 بیرجه گره آغلابدی اجه می  
 شوندا باغفا بیلیم آغتردان بولسام  
 یا آغاردان بولسام بیرجه ساچینی  
 اولام

مذک کونامی اوتمدن بک بولسا  
 غایندب بریمدگ - راضی اتمک اجه می!  
 بیوه بیوه اول ... " موندگ کره برایش!  
 دیبیدی  
 سونگام گهندی ... بویاب غالیدی اجه می ...  
 ایقندی اوزوم  
 ویتا دیان اوغلوبا  
 " آغترتا غنن آغلابدی اجه نگی! "

بو وصیت  
 وسیتدن  
 غور شوپ پوتیم دوینا ننگ اوغوللارنا  
 آغترتا ننگ دایمیتدن جولوغا یتیم  
 سیندگ سمن بیولوقلار ننگ باغترلارنا

**جشن گندم** بقیه از صفحه آخر  
 برگزار می کردید . همراه با حاکمیت فئودالها بر زمین ها  
 و از بین رفتن کشت جمعی زمینها ، این سنت همبستگی  
 نیز به فراموشی سپرده میشد .  
 جشن گندم ، پیوند هفتان با زمین ، جشن شست و  
 حاصل زحمت جمعی ، جشن همبستگی بین زمینداران  
 ترمن صحرا است .  
 زمینداران ترمن صحرا به ویژه دهقانان و روستا -  
 نشینان همانگونه که در تمام دوران سلطه استبداد سیا و  
 پهلوی ، سنت های ملی و مردمی خود را حفظ کردند ،  
 اکنون نیز اجازه نخواهد داد که حکومت خلفای مرتجع ،  
 آنها را از برگزاری مراسم و جشنهای ملی خود محروم  
 سازد .

دوسوک درگذشت کریم قربان نیف بقیه از صفحه ۶  
 دستان ترکمن و همه کسانی که اعمار و اندرزهای  
 وی را به سلاح بهکار علیه استعمارگران و زورگویان  
 زنا جوانمردان بدل کرده اند بشمار می آید .  
 نام کریم قربان نیف ، این شاعر با استعداد و  
 انسان بزرگ معنوازه در قلب بسیاری از مردم جای  
 خواهد داشت .

کانون درهنگی و سیاسی خلق ترکمن ، جاپعه  
 درگذشت کریم قربان نیف را به خلق ترکمنستان  
 شوروی و یازمانندگان شاعر و همه دستداران شعر و  
 ادب ترکمن تسلیم می گوید . به یاد کریم قربان  
 نیف ، ایرتویچی ادا به درج بحسی ازین اواخرین  
 اشعار وی به نام " یقه ده انه جاقیندا " ( باز هم  
 دربار ما در ) می نماید .

" یقه ده انه جاقیندا "

آق سویت بره نانه غایندردان غایبار  
 دیبیدیلر ... سا داغ ننگ بو دیشینه انه!  
 سن حاقدا بیوز گرهک با زیتیدیم ونگم  
 بیوز بیریمچی گرهک یا زاشن یقه

یقه ده  
 غالی آلماقا ایله  
 مجبور اتدی منی بیر الهنج کوزونک  
 دیبیدیلر ... اوچ اوغول ، اوچ غنرلی انه  
 بیر بیلونه حارام اولوبیدر دوولون ...

بوواقا بولوبدیر اووزای بیر بیره  
 یونه یا رخنی نامه ، یا قین می - اووزای  
 بیزنت لنگ اتانی ترک اددیگی  
 اتا ننگ بولسا  
 حارام اولنه ن لیکگی حای  
 ... بوواقا ناما حال ، بیره ده بولدی ؟  
 دیبیدیلر ، ما ننگ سوراغ بریار سیدگ یقه  
 بیره ده ناما حال - نامه یا رخنی بار  
 اینه همه بیره  
 دایمیدیر انه

انه - ایتسا نهندگ ، توتویو گجه گی  
 هم شووگونی ، هم اهلنی گجه نی  
 دها ننگن موندگ بیا ایتر میفر آغلام  
 ایردن ...

### کوراوغلی:

سمیل دوستی، برادری و  
رزم مشهور

داستان حماسی "کوراوغلو" (کوراوغلی) نمونه گویای خلافت مشترک خلقهای برادرستندیدهای است که دنیای معنوی و مبارزه طولانی ضد نفوذالی آنان را بر سر زندگی بهترین رفیق وسطی بازتاب می دهد.

این موارد بخوبی از روایات آذربایجانی که به طبع تنگ تنگی با روایات ترکمنی پیوند دارند، هویدا است.

حماسه "کوراوغلو" اولین بار در میان آذربایجانیها و ترکمنها رواج یافت. این بدان معناست که هسته اصلی حماسه "کوراوغلو" عمدتاً از محیط آذربایجانیها و ترکمنها در قرون ۱۶-۱۷ میلادی پدید آمد. این حماسه در میان آذربایجانیها به نام "داستان کوراوغلو" شناخته شده و سابقاً پدر کور قهرمان حماسه یعنی علی کیشی مرتبط است. در روایت آذربایجانی، حماسه مذکور داستان قهرمانانستای است که از چند قسمت جداگانه ساخته شده و در آن دریا ر نبرد های مهم کوراوغلو و منجمله تولد و مرگ وی نیز سخن می رود و قسمت های مختلف همانند روایات ترکمنی به شکل حکایات حماسی شعرگونه و همراه با ترانه های متناوب اجرامی گردند.

در جریان سیمد سال، اشعار ترانه های "کوراوغلو" به طور مرتب توسط شایق های آذربایجانی و باخشی های ترکمن بازگو گردیده و خواننده می شوند، که از این جهت این حماسه مقام خاصی را در آثار فولکلوریک خلق های آذربایجان و ترکمن دارا است. اغلب این با آن شایق، بخش هایی از این حماسه را تحت عنوان "گل" اجرا می کند و گاه نیز قطعاتی از آن به صورت ترانه های خلقی به اجرا در می آید. هیچ خواننده می نوازند های در میان آذربایجانیها نمی توان یافت که به اجرای این حماسه متعمق دست یابد.

اما این داستان قهرمانانه امروز دیگر از چارچوب محلی خود خارج گردید و در میان موسیقی دانسان، هنرمندان، خوانندگان، نوازندگان و در تئاتر و سینما و کنسرت ها جایگاه شایسته را کسب نمود. در این حماسه، قیام دهقانان و بی چیزان شهری علیه نفوذالها، دشمنان داخلی و خارجی، احکام مستبد ترک و ایرانی و بخصوص ایام جنگ های اسارت بار قرون ۱۶-۱۷ بازتاب یافته است. درباره حداثت طوفانی آن دوره پاخوموف می نویسد که "جنگ ایران و ترکیه که به سال ۱۵۱۶ آغاز گردید، تا سال ۱۵۵۵ به طور

لایتنقطع تا انعقاد اولین قرارداد صلح ادامه یافت ۰۰۰ و در بهار سال ۱۵۷۸، ترک ها فرستادگان ویژه خود را به ماورا قفقاز اعزام داشتند ۰۰۰ و در نهایت ارتش مصطفی پاشا به شروان تهاجم نمود. ترک ها شهرهای گنجسه، باکو، دربند و دیگر شهرها را تصرف کرده و مراکز حکمرانی خود را ایجاد نمودند ۰۰۰ فارسها که بالاچار تا قاراباخ راند شده بودند به جنگ پارتیزانی روی آوردند ۰۰۰ در سال ۱۵۵۰، شاه ایران مجبور به پرداخت غرامت سنگینی گردید و ترک ها شهرهای تبریز، نخجوان، گنجه، قاراباخ، شیروان، گرجستان و بخشی از کردستان را تصرف نمودند ۰ انعقاد صلح به شاه عباس امکان داد که نیروهای ششماهه تدارک دیده و برای جنگ آماده شود ۰ در طی سالهای ۱۶۰۵-۱۶۰۴، ایرانیان موفق به بانس گیری شهرهای ایروان، تغلیس، گنجه و چند شهر دیگر گردیدند و آنان را تا سال ۱۶۰۶ در تصرف خود نگه داشتند ۰

این جنگ های نفوذالی و ظارتنگانه که سالهای سال میان ایران و ترکیه جریان داشت، ضربه بسیار سنگینی برای خلقهایی به شمار می آید که علیات جنگی شاهان ایرانی و سلطنتهای ترک در محدوده نیست انسان روی می داد ۰ طبیعتاً این جنگ ها با مخالفت های سخت تودها همراه بود ۰ حماسه های نظیر کوراوغلو بر سر چنین شرایطی خلق شد مانند ۰

سردسته شورشیان، کوراوغلو، بیانگر قدرت و نیرومندی شرافت و عدالت مردم ساده به شمار می آید ۰ او سمیل برادری، دوستی و رزم شجاعانه مبارزان راه حقیق و درستی است ۰

حماسه کوراوغلو، از مدت ها قبل توجه سباحان و فرهنگ شناسان و دوستداران علم را به خود جلب کرده است ۰ به طور نمونه اگر روایت آذربایجانی آن را در نظر بگیریم، محققین جنبه های مردمی، ضدیت آن با مذهب سالاری، فضائل مثبت و عاقبت آن و همچنین مقام برجسته تاریخی آن را که با جنبش های دهقانی قرون ۱۷-۱۶ میلادی پیوند خوده است، مورد تأکید قرار می دهند ۰

اغلب داستانهای حماسه کوراوغلو در میان روایات ترکمنی و آذربایجانی با هم تطبیق دارند ۰ احتمال داده می شود که هسته اصلی این حماسه در تبریز شکل گرفته باشد ۰

جنبش های ضد نفوذالی دهقانان و بی چیزان شهر

آیتم گونیم دو شماسین ←

ایلیم گونیم بولماسا

(مراد سوم) و شاهایران (شاهعباس اول) بدل می‌گردند این جنگ‌های فتودالی تودهای زحمتکش را که پسندنی این جنگ‌ها هم در شرایط قزلبود بختی به سر می‌بردند - چهره‌شکستی می‌سازد - خلق هم و تحلیس خود را بسا ترانه‌های تاثیرانگیز ادای می‌کرد - اما مردم نسبتاً به سرودن ترانه‌های حزن انگیز می‌پرداختند، بلکه روانه کوهها و جنگلها و بیابانها شده و به گردانهای دشمنان و کاروانان آنان حمله می‌کردند - زمیندگان راه آزادی، زورگویان را تارومار و اسرا را آزاد می‌کردند و عاشیق‌های خواننده مبارزات سخت و قهرمانان پیر و ز رادیه‌ترین ترانه‌ها و روایات مورد مدح و ثنا قرار می‌دادند -

کرواوظو در روایت ترکمنی و آذربایجانی‌سی از فتودالهای بومی و متجاوزین بیگانه انتقام گرفته و از بیست و دهنه‌دانه پادشاهها و سلطانها، عروسان زیبای را برای خود و "دلی" های خود برمی‌گزیند - کرواوظو و علاوه بر قهرمانی، از هنرخوانندگی و نوازندگی نیز برخوردار است، که این امر به او در گرد آوردن زمیندگان شجاع و نفوذ به قلب دشمنان و فتح قصبه آنان بسیاری می‌رساند - بعد یگر سخن هنر خوانندگی و نوازندگی در یکی از سلاحها و شاخص شجاعت او به شمار می‌آید -

کرواوظو در میان دیگر داستانهای خلقی، در آثار حماسی و غزلی - حماسی، مقام برجستای را داراست - در کانون این حماسه، جوانمردی بی‌پاک، انقضاچووشی سخت دل و در همین حال خوانندگی حیات آمیز و نوازندگی الهام بخش فرار دارد - طنین ترانه‌های او آنگه از خشم خلق بوده و خلق را به مبارزه و قهرمانی در راه همین شرف و عدالت فرا می‌خواند - باهران کرواوظو از میان خلق و زحمتکشان شهروده برخاسته و عناصر اصلی جنبش‌های ضد فتودالی دوران خود را تشکیل می‌دهند - کرواوظو تمام فسادکاریهای خود را با اسب حماسی خود قیرات و دروات و گاه نیز عرب‌آت پانجام می‌رساند - همراه شجاع کرواوظو باصفا و الادی شناخته شده است، آن اسی است بالدار و با فکر که به هنگام حمله به قلب دشمن او را یاری رسانده و از او در هنگام خواب پاسداری می‌کند - چنین اظهاراتی در مورد قیرات آنطور که پیداست با موقعیت اسب دراهما قدیم و به میزان زیادی با نقش برجسته آن در دوران - جنگ‌های طولانی فتودالی پیوند دارد - از این رو دراهما قدیم به هنگام مرگ جنگجویی، طبق آداب و رسوم، اسب وی را نیز به همراه وی دفن می‌کردند - در حماسه مذکور، قلمه نفوذناپذیر چنلی پیکل

اساس خلق حماسه کرواوظو را این نهاد فاند - تاجسرا ن ابتلائی نیز در باره زندگی مشترک خلق‌های مختلف در آذربایجان ایران و مرکز آن تبریز گواهی می‌دهند - به طرز سونه تاجرایتلائی به نام جوانی در ساره تبریز می‌نویسد " در این شهر علاوه بر فارسها، آذربایجانی‌ها، ترکمن‌ها، ارمنی‌ها و کرجی‌ها نیز در کنار یکدیگر به سر می‌برند -

در باره ترکیب التقاطی جمعیت آذربایجان در آستانه جنبش‌های ضد فتودالی و در زمان پیدایش حماسه "کرواوظو"، آثار دیگر تاریخدانان و ادب شناسان و هم چنین سیاحان قرون وسطی نیز گواهی می‌دهند - آکادمیسین کریمسکی در این باره می‌نویسد " در پایان قرن ۱۳ و در دوران مغول‌ها، ترکمن‌های قراقویونلو و آق قویونلو به آذربایجان سرازیر شدند و در قسرن ۱۵ ترکمن‌های آق قویونلو حاکمیت را در آذربایجان به دست گرفتند -

همزیستی زندگی مشترک دو خلق نزدیک به لحاظ منشا و زبان و فلکلو و غیره، تاثیرات متقابلی را در عرصه ادبیات و شعر بر یکدیگر جای نهاد ماست - در روایات ترکمنی و آذربایجانی، قهرمان اصلی حماسه متفاوت با مثلاً روایت تاجیکی و پخشا ازبکی، سوارکار شجاع و خوانندگی به نام کرواوظو است که ابتدا روشن نام داشت ( در آذربایجان و ترکمنی روشن قهرمان اصلی و در ازبکی روشن نوه قهرمان اصلی آورده شده است) - کرواوظو دارای چهل (و گاه ۷۷۷) سوارگرمی باشد که همه آنها تخلص "دلی" (دیوانه) را بر خود دارند - البته این تخلص در زمان خود معنی دیگری را داشت و ایس تخلص به جنگجویان شجاع، جوانمردان، و قداثیان راه خلق داده می‌شد - در روایت ترکمنی حماسه "کرواوظو"، تیره بزرگی به نام "خارمان دلی" وجود دارد که به قهرمانان خود تخلص دلی می‌دهد - در ضمن باید خاطر نشان ساخت که محتوای هم در قرن هجده همصمیمیتان خود را فرامی‌خواند که در میدان رزم همچون "دلی" یعنی رزمجوی دلاوری بی‌پاک باشند

غوج بیگید ینسگه آدی چشقماساز  
دولتسی - مالی بولماسا  
اندیشهلی ایش بیتیرمیز  
میداندا دلی بولماسا

در نیمه دوم قرن ۱۶ و نیمه اول قرن ۱۷، محدود و سرزمین آذربایجان به منطقه تاغت و تاز سلطان ترکیه

کروا وطلو و محل وقوع آن در محدوده قفقاز، درج می‌گردد. اولین سال نشر روزنامه "قفقاز" به سال ۱۸۷۶، در آن مطلبی تحت عنوان "روایتی درباره قارا وطلی" که در واقع تغییرات تخیلی همان کروا وطلو است، درج می‌گردد. مضمون این مطلب با د و روایت حماسه کروا وطلو یعنی کورشدن پدر وی و د زدیده شدن قیرات توسط حمزه انطباق دارد. در این مطلب نیز همچون حماسه کروا وطلو گفته می‌شود که پدر کروا وطلو در نزد پاشای ترکیه مسترداری می‌گردد. ترانه‌های کروا وطلو در میان گرجی‌ها نیز رواج زیادی دارد. و ترانه‌ها و روایات کروا وطلو در ردیف بهترین ترانه‌های گرجی قرار دارند. در حماسه کروا وطلو، دشمن اصلی قهرمان داستان شاه ایران می‌باشد. او پدر کروا وطلو را کرمی کند و مامور داری خود عباس را برای بدست آوردن قیرات نزد کروا وطلو روانه می‌سازد. همانطور که پیداست از این روایت تغییرات محسوس به چشمی خورد. به جای حمزه، شاه ایران عباس نامی را برای بدست آوردن قیرات روانه می‌سازد. اما علیرغم این، حلقه‌های اصلی داستان یعنی کورشدن پدر کروا وطلو و د زدیده شدن قیرات، بهی و مرگ کروا وطلو محفوظ مانده است.

یادداشت‌های جالبی از جامعه‌شناسان آلمانی به نام گاستاکا اوزن درباره قفقاز نیمه قرن ۱۹ وجود دارد. در یادداشت‌های او بنابه روایات محلی، جریان کورشدن پدر کروا وطلو توسط شاه ایران، د زدیده شدن قیرات توسط حمزه و بعد مستور سلطان ترکیه و سار پس‌گیری آن توسط کروا وطلو که در لباس خواننده و دروش طرم‌ترکیه می‌گردد، آورده شده است. در یادداشت‌های این جامعه‌شناس آلمانی همچنان آمده است که کروا وطلو با قهرمان حماسی ایران رستم، به نبرد برمی‌خیزد که پس از سه روز نبرد عاقبت به مرگ هردو می‌انجامد.

به هر حال شایان توجه است که یادداشت‌های اصلی حماسه آذربایجانی و ترکمنی کروا وطلو (کروا وطلی) اساساً پس از انقلاب کبیرا کتبر و ایجاد انستیتوهای ویژه مطالعات آثار فلکوریک بود که از حالت پراکنده کی بیرون آمد. در سال ۱۹۲۷ اولین اثر حماسه کروا وطلو در آذربایجان تشریح باید و به ترتیب، دیگر روایات این حماسه نیز به زبانهای مختلف انتشار می‌یابند. حماسه قهرمانانه کروا وطلو به مثابه مظهری وستی و رزم مشترک در راه زندگی بهیست در سالهای بعد رشد روزافزونی یافته و پیام رزم با هنر عاشیق‌های آذربایجانی و باخشی‌های ترکمن همچنان از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و همواره الهام‌بخش مبارزه خلق‌های مستعبد و علیه مستکبران و زورگهان زمان خویش بوده و خواهد بود.

(چاندی پهل) مظهر سرزینی خوشبخت و زندگسی آزاد است. قلمه مدافع مطمن فراریان بد هفتان و پیشمیران بوده و آنان را از گزند تعقیب و پرداخت مالیات‌های سنگین به شاهان و پاشاها و سلطان‌ها در امان نگه می‌دارد. کورشدن پدر کروا وطلو و تریست پیری از جانب او و پرورش اسب سحرانگیز وی، ازدواج کروا وطلو بانگرنیبا (در میان ترکمن‌ها و ازبک‌ها آقا - بیوس گفته می‌شود) به فرزند ی گرفتن آبواز (آواز - اووز مبارزات سخت با زورگهان ترک و ایرانی، گرفتن حلق از تاجران، د زدیدن اسب و باز پس‌گیری آن و غیره بخش‌های اصلی حماسه را تشکیل می‌دهند. این بخشها در روایت آذربایجانی و هم در روایت ترکمنی یکسان هستند. اما هر یک از این روایات خصوصیات ویژه خود را دارا می‌باشند. بطور نمونه اگر روایت ترکمنی با تولد قهرمانانه کروا وطلی آغاز می‌گردد، ولی این در روایت آذربایجانی وجود ندارد. از سوی دیگر در روایات آذربایجانی، بخشی مینی بر حمله شاه به دریند و ازدواج دوم کروا وطلی با زیباروی دریند به نام مومینا خانوم و تولد پیری از او به نام حسن یک (کروا وطلی) و همچنین نبرد پدر با سپهرناشناخته خود وجود ندارد.

بخودی خود قابل درک است که در روایات آذربایجانی، منطقه جغرافیایی قفقاز و ترکیه جایگاه برجستای داراست ولی در روایت ترکمنی محدوده ایران و آسیای میانه است که مدگی می‌یابد. این امر با انعکاس مبارزه خلق‌های آسیای میانه در قرون ۱۵-۱۶ علیه خانها و فتودالهای ایرانی در حماسه مذکور قابل بیان است. وضعیت فوق در دیگر آثار حماسی چون "یوسف و احمد"، "آلهامیش"، "غرق‌غیر" (چهل دختر) نیز انعکاس داشته است.

ویژگی حماسه آذربایجانی کروا وطلو در آن است که این حماسه بعد ها منشا پیدایش روایات متفاوتی تحت همین نام در میان کردها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها و ترک‌های بلخار گردید. علاوه بر آن، این حماسه در این سبب آن شکل و حجم، در میان دیگر خلق‌های قفقاز چون آبخازها، آجارها و کومیک‌ها نیز رواج یافت.

جمع‌آوری حماسه‌ها، روایات و ترانه‌های مرتبط با حماسه آذربایجانی کروا وطلو از قرن نوزدهم آغاز شد. در سال ۱۹۰۴، در آثار دست‌نویس شاعر آذربایجانی، عدلیب قارا جادانی، ترانه‌هایی از حماسه فوق آورده شده است. در روزنامه "اعلامه‌ها" تلیس، پسال ۱۸۲۰، گزارشی درباره قلمه حماسی

# شهریار در گذشت

استاد محمد حسین شهریار، درگذشت. شهریار یکی از بزرگترین غزل سرایان ایران به‌شمار می‌رود. کارنامه ادبی شهریار نشان می‌دهد که شاعر درد و دردهای متفاوت حیات خود در رابطه با مسائل متنوع جامعه فعال بود. است. ۱۰ اشعاری که از وی درد و ایوان بزرگ چاپ شده است خود پهنشایی گویای این مدعا است. شهریار علاوه بر مزیباشرد در نشر سنازل جدید و هم‌پسند به‌وسیله اشعار رمزگرد سرود است. وی کیبکی از ادب‌اند هندیگان وزن عروضی در شعر معاصر می‌باشد. ضمن آن در وزن آزاد شعر کلاسی زیبایی دارد. علاوه بر اشعاری به‌زبان فارسی، شاعر به زبان مادری خود یعنی زبان آذربایجانی پر محتواترین و زیباترین شعرهایش را سرود است. کتاب حیدرهای شهریار در ادبیات آذربایجان یک نوآوری محسوب می‌شود. در این اثر، شاعر خاطرات دوران کودکی خود را دره خشکتاب در دامنه کوه حیدر یا با بیان هنرمندانموزیبا و مایه‌های اخلاقی به‌منظم آورده است. منظومه "سپندیه" شاید بشود گفت قوی‌ترین اثر شهریار است.

مأسفانه تشنه‌کاریهای رژیم اسلامی دامن شهریار را نیز گرفت. شهریار نتوانست بعد از انقلاب شخصیت ادیبی و هنری خود را به‌تمامی حفظ کند و حمایت از رژیم و مدیحه‌سرایی گاه و بیگاه در رسانه‌ها و تلویزیون رژیم، اعتبار او را خدشه‌دار نمود. ایل کوچی ضمن تأسف و فقدان استاد را به‌جامعه‌ادب ایران تسلیت می‌گوید. یاد استاد شهریار را ضمن درج غزل زیبایی "حالا چرا" گرامی می‌دارد.

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا  
بی وفا حالا که من افتادم از نا چرا  
نوشدارویی بعد از مرگ سپهراب آمدی  
سنگدل، این زودتر می‌خواستی حالا چرا  
عمر ما را مهلت امروز و فردای توییست  
من که یک امروز مهمان توام، فردا چرا  
نازنینا، ما بی‌باز توجواتی دادایم  
دیگر اکنون با جوانان نازکن با ما چرا  
و که با این عمرهای کوتاه می‌اعتبار  
ایتمه غافل شدن از چون منی شیدا چرا  
آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می‌کند  
در شکستم من نمی‌باشد زخم دنیا چرا  
شهریارا بی‌حبیب خود نمی‌کردی سفر  
راه مرگ است این یکی بی‌مونس و تنها چرا

## غارغی تودوک: فی لبک ترکمنی

یکی از آلت‌ها و موسیقی خلق ترکمن که امروز در میان جوانان رواج یافته، غارغی تودوک است. اگر بخواهیم به‌فانری ترجمه کنیم غارغی به معنای نی می‌باشد. و می‌توانیم آنرا نی لبک ترکمن بنا می‌نامیم. برای ساختن غارغی تودوک از نی مخصوص و محکم که در طبیعت به‌شور یافت می‌شود استفاده می‌کنند. چگونگی پیدا کردن آن به سال‌ها پیش از دور برمی‌گردد ولی در باره نحوه بوجود آمدن آن آن‌مقاسماتنه اطلاعات دقیقی یافت نشده است. نظری کوتاه به آثار نویسندگان قدیمی از جمله آن‌نارایی حاوی اطلاعاتی هرچند نه چندان دقیق می‌باشد که با فولکلور و ادبیات خلق ترکمن مرتبط است.

آن‌نارایی (۹۵۰ - ۸۷۰ میلادی) در این مورد چند توضیح داده. "به هنگامی که باد در میان کوره راه‌های کوه وزیدن می‌گرفتند، غارغی‌ها درختان در مقابل باد قوی به‌سدا درآمدند و انسان‌ها در نتیجه تا ملر و کنجشادی به‌این‌پدیده طبیعی موقتی‌عده‌اند که به‌گذشت زمان و با تکمیل اندیشه و تفکر، ابزارهایی که شکل‌لوله‌ای داشتند ساخته و از آن‌صدا‌های مختلفی را بیرون دهند". در آن زمان‌ها از این ابزار به‌عنوان شیپور برای تیراندن و شکار حیوانات استفاده می‌شده است. استفاده مکرر از صدا‌های مختلف منجر به پیدا می‌ساز و آهنگ‌های بسیار ساده گردیده است.

البته این اطلاعات نیز روایت‌های و حدیثات می‌باشند و نمی‌توان برای آن‌چینان‌های علمی قابل‌عده. غارغی تودوک به‌لحاظ شکل ساختارنی حدود ۸۵ تا ۹۰ سانتی‌متر طول دارد. در امتداد طول آن ۵ تا ۶ گره گرد کوچک وجود دارد که با سیم ناغ ایجاد شده تا هوا از میان آنها بگذرد و بر روی آن ۶ سوراخ کوچک برای تنفیس آهنگ‌ها در واقع به‌عنوان نت‌صدا‌ها ایجاد شده است. یکی از این سوراخ‌ها در پشت و در فاصله مقابل سوراخ دیگر دیگر ایجاد شده که آنرا سوراخ شیطان می‌نامند. در ضمن از بویکه خالی فندک اسلحه به‌ارای ۵-۶ سانتی‌متره به‌عنوان لبک استفاده می‌کنند.

غارغی تودوک در بیابان خلوت ترکمنستان همیشه دل‌عوضی زندگی آنها بوده است. شمس‌ن بعضی از آهنگ‌های آن انسان را به‌فکاسه به‌سدا برنده‌های بیابانی می‌اندازد. آهنگ‌های غارغی به‌د رصده ۱۷

جشن گندم...

التمیک...

تلاش جمعی در زیر آفتاب گرم و در سوز سرما است. از هفت  
ابتدا که این خلق به کار روی زمین پرداخت، یعنی  
از برداشت محصول که حاصل زحمت جمعی همه بود همه  
شکرانه آن جشن گندم را برگزار می نمود. اما در زمان  
حکومت پهلوی، مد های فاسد غیرترکمن و ترکمن از عوامل  
بریم پهلوی، «ببین هارا» این منبع زندگی پر از آسری،  
شادمانی و خرمی خلق را، از زحمتشان ترکمن بیجا

زور سر نیزه، با ریختن خونهای فراوان در هفتان ترکمن  
غصب نمودند. آنها همیشه از این زحمتشان، از این  
صاحبان اصلی زمین وحشت داشتند. به آنها اجازت  
کار روی زمین را نیز نمی دادند. کارگران کشاورزی از نفاط  
دیگر ایران به منطفه آوردند و آنها را در مزارع خود  
در لانه های که هیچ شباهت به خانه نداشتند اسکان  
دادند. با این وضع جشن گندم به فراموشی سپرد  
می شد. اما خلق ترکمن حتی در این دوره نیز از پسای

نشد. با این زوریداران همیشه درگیرید. همسراه  
عمام با گسترش انقلاب در ایران و دست شدن پایه های  
بریم پهلوی، زحمتشان ترکمن صحرا سرود. به پانزدهم  
زمین های خود نمودند. زمین در سایه میا بره محسد و  
متسل به دهقان تعلق گرفت و او با سوز و استیاق فراوان  
مانند کسی که بعد از سالهای فراغ و جدائی، عزیزتر  
خود را بازیافته باشد، میوه بران زده و با جان و دل شروع  
به کار جمعی نمود. اینک نخستین محصول خود،  
نخستین حاصل زحمت خود را که گندم بریاری شده بود،

حسد برداشت می کرد. زحمتشان صحرا برای برگزاری  
جشن گندم روز شماری می کردند. جشن گندم یعنی  
از انقلاب بهمن ۵۷ در رهنم خرا به وسعت گسترده های  
برگزار شد. این سنت در برینه روبروز همبستگی تمام  
زحمتشان ترکمن صحرا را وسیعتر و محدثتر. سر می ساخت

رزم ارتجاعی و تاریک اندیش جمهوری اسلامی نتایج  
و توان دیدن گسترش این سنت های مردمی را نداشت و  
به موازات سرکوب و بیساز پر گیری دستاورد های انقلابی  
مانع برگزاری این مراسم گردید.  
شکوفایی فرهنگ مردمی و آداب و سنن مترقی همیشه  
در خدمت همبستگی زحمتکشان و تقویت میا بره آنها علیه  
ستم و زور پیده است و به این خاطر نیروهای ارتجاعی  
در تمام عصرها در مدد ناپیدی آداب و سنن مترقی و  
مردمی بود مانند. چگونگی برگزاری جشن گندم نیز  
همواره با سبب مالکیت بر زمین مربوط بوده است. در در وقت  
که زمین منعلق به دهقانان بود، از آن کسانی بود که  
روی آن کار می کردند. این جشن باشکوه هر چه تمام تر

میرانید. به ویرز و المییک بیندیشند ؟  
آری! امروز ایرانیان نمی توانند هنگام عاتسای  
بازیهای المییک خود را از بغفر و احساس خشم و نفرت  
بدا سازند. اما مردا بیگان چنین نخواهد بود. مردم  
ایران نیز همانند مردم سراسر جهان ورزشکار و ورزش  
دوستند. ورزش و مسابقات ورزشی در میهن ما قدمت  
هزاران ساله دارد. شاهنامه فردیوسر و بسیاری از آثار  
حماسی فرهنگ کهنسال خلعباء ایران شاهد گویای این  
طبعی است. فردا که شب سپاه ولایت فقیه به  
آید، مردم ایران در میادین ورزش نیز همانند همیشه  
میادین دیگر جایگاه شایسته خود را خواهند داشت.

نقشه در صفحه ۱۸.



### شهادت مبارزان دلاور کرد

د فتر سیاسی حزب دذات دستان ایران، رهبری انقلابی اعلام نمود که شما فتاحی عضو مشاور کمیته مرکزی و چهارتن از کادرهای حزب به اسامی سلیم تاویان، طاهر مغوری، رشید عثمانی و مصطفی مصطفائی در جریان یورش پاسداران ضد خلق و جانشینان خائن به شهادت رسیدند.

این دلاوران کرد پس از آنکه محل اقامتشان مسوود سناسانی و یورش پاسداران ارتجاع قرار گرفت، طی نبرد ی مهربانانه در راه آرمانهای بالای خلق شدند و در جان باختند.

این مبارزان دلاور، سالها در راه تأمین حقوق ملی و انسانی خلق کرد مبارزه کرده بودند.

حزب دذات کردستان ایران نیز از شهادت صد یسوی فدوی عضو علی‌البدل کمیته مرکزی حزب خیر اده است. این مبارز جوان و با استعداد، در جریان یک نبرد نابرابر با عوامل رژیم د متمدنه نامباران به شهادت رسید.

کمیته مرکزی نمونه‌ها نیز اعلام نمود که بیست و دو تن از اعضای مبارز و انقلابی که به له در جریان تهاجم هواپیما های رژیم عراق به مبارزان کردستان عراق کشته شدند، یاد جان باختگان جلسه تری گرامی یاد

ایل گویچی (قرد - خلا)

نشریه انون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

دوره دوم - سال چهارم - شماره ۱۴ - تابستان ۶۷

آدرسی: H.D. Postfach 106463 2800 Bremen W. Germany

روشنفکران و مبارزین ترکمن صحرا خوانندگان گرامی ایل گویچی برای غنا بخشیدن به نشریه ایل گویچی با ما همکاری کنید. پیشنهادها و نظرات و انتقادات خود را برای ما ارسال دارید. ایل گویچی را وسیعاً پخش کنید و به علاقمندان برسانید.

اوقوگ رک حاطا گه رک

### المبیک و ورزش در مین ما

بیست و چهارمین دوره بازیهای المپیک در مسکو پایتخت تری جنوبی آغاز گردید و هزاران جوان ورزشکار از سراسر گیتی راهی مسکو شدند تا آمیزش از هنر و قدرت انسان را به نمایش در آورند. شپوشان سفید به نشانه صلح و دوستی ملل، بر فراز مجمع المپیک مسکو به پرواز درآمدند و صد ها میلیون نفر از مردم جهان، به صفحه تلویزیون چشم دوختند تا ترکیب شکفت انگیز در تری زیبا، تنگ را در مسیای ورزشکاران پایانه مسوود بیست و چهارمگر استند.

شده از بازی المپیک، قرارداد ی ورزش در جمهوری اسلامی را بار دیگر به نمایش در آورد. است. صد ها هزار ایرانی، از مسین که بازیها را تماشا می کنند، خشد را با احساسات و گانهای مواجه می بینند. آنها سه عنوان انسان از آن همه شکوه و عظمتی که بسوی همه می تابانند، تماشا می نمایند. هم آید، در جا روید و هر روزی شوند و در زمان حال هنگامی که وضع ورزش و ورزشکاران در بیست و سه ر صفحه ۲۳

### جشن گندم

جشن هستگی زحمتکشان ترکمنستان

تیرماه سال ۵۷ است، زحمتکشان ترکمن صحرا جشن و بوی خوش خاصی یافته اند. همه تاد و خوشحال هستند. ۱۵۰ تیرماه در روستای کنگور تعداد بسیاری از زحمتکشان ترکمن صحرا، از مرد و زن، پیر و جوان، روحانی و غیر روحانی، ترکمن و غیر ترکمن، از گمش که گرفته تا مراد و تپه، همراه با نمایندگان ستاد کرد آمدند. روستای کنگور با شمارهای انقلابی تزئین شده است، اعضای شورای روستایی کنگور با چهره های جوان و بسم که از نخستین پیشگامان جنبش دهقانی در ترکمن صحرا بودند، اینک نخستین جشن گندم را همراه با تمامی زحمتکشان ترکمن صحرا برگزار می نمودند.

جشن گندم، از آب و رسوم دیرینه خلق ترکمن است. جشن گندم، جشن پیروزی، جشن به ثمر رسیدن زحمت زحمتکشان، جشن بدست آوردن محصول ماهی است. بیست و سه ر صفحه ۲۳

ترکمنجه مکتب گه رک